

## دُعایابی برای حویج دنیا و آخرت

الشُّكُورُ، وَ أَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ، وَ أَنْتَ

و قدردان، و تویی خدا معبودی جز تو نیست، ستوده و بزرگوار، و تویی

اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ، وَ أَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

خدا معبودی جز تو نیست، بی نیاز و ستوده، و تویی خدا معبودی جز تو نیست،

الْغَفُورُ الْوَدُودُ، وَ أَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ،

امرزنده و دوستدار، و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، پرمهر و پُر احسان،

وَ أَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَلِيمُ الدَّيَّانُ، وَ أَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا

و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، بردبار و جزادهنده، و تویی خدا، معبودی جز

أَنْتَ الْجَوَادُ الْمَاجِدُ، وَ أَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْوَاحِدُ،

تو نیست، بخشنده و شکوهمند، و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، یگانه و یکتا،

وَ أَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَائِبُ الشَّاهِدُ، وَ أَنْتَ اللَّهُ،

و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، پنهان و پیدا، و تویی خدا،

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ، وَ أَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِكُلِّ

معبودی جز تو نیست، آشکار و نهان، و تویی خدا، معبودی جز تو نیست، دانای

شَيْءٍ عَلِيمٌ، تَمَّ نَوْرُكَ فَهَدَيْتَ، وَ بَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ. رَبَّنَا

به هر چیز، کامل است نورت، پس هدایت کردی، و دست لطفت را گشودی پس عطا نمودی، پروردگار

وَ جِهَتِكَ أَكْرَمُ الْوُجُوهِ، وَ جِهَتِكَ خَيْرُ الْجِهَاتِ، وَ عَطَيْتُكَ

ما جلوه تو گرامی ترین جلوه‌ها است، و سویهات بهترین سویه‌ها است، و بخششت

أَفْضَلُ الْعَطَايَا وَ أَهْنَأُهَا، تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ، وَ تُعْصَى رَبَّنَا

برترین بخششها و گوارا ترین آنهاست، پروردگارا اطاعت شوی پس قدردانی کنی، و نافرمانی شوی،

فَتَغْفِرُ لِمَنْ شِئْتَ، تُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ، وَ تَكْشِفُ السُّوءَ،

پس بیماری‌ری هر که را که خواهی، درماندگان را اجابت نمایی، و بدی را برطرف کنی،

وَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ، وَ تَعْفُو عَنِ الذُّنُوبِ، لَا تُجَازِي آيَادِيكَ،

و توبه را بپذیری، و از گناهان گذشت نمایی، عطاهایت پاداش داده نمی‌شود،

وَ لَا تُحْصِي نِعْمَتَكَ، وَ لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلٌ قَائِلٍ. اَللَّهُمَّ صَلِّ

و نعمتهایت به شماره نیاید، و گفتار گوینده‌ای به ثنایت نرسد. خدایا

## دُعایابی برای خویج دنیا و آخرت

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ ، وَرَوْحَهُمْ

بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و در فرجشان، و آسودگی

وَ رَاحَتَهُمْ وَ سُرُورَهُمْ ، وَ أَذِقْنِي طَعْمَ فَرَجِهِمْ ، وَ أَهْلِكَ

و راحتی و شادی شان شتاب فرما، و طعم فرجشان را به من بچشان، و دشمنان شان

أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ، وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ، وَ فِي

راز جن و انس نابود کن، و به ما در دنیا و آخرت

الْآخِرَةِ حَسَنَةً ، وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ ، وَ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ

حسنة عنایت فرما، و از عذاب آتش حفظ کن، و ما را از کسانی که خوفی

عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ ، وَ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ

بر آنان نیست، و اندوهگین نمی شوند قرار ده، و ما را از کسانی بدار که صبر کردند، و بر پروردگارشان

يَتَوَكَّلُونَ ، وَ ثَبِّتْنِي بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ ، فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ ،

توکل می کنند، و مرا در دنیا و آخرت به گفتار ثابت پابرجا دار، و به من برکت ده،

وَ بَارِكْ لِي فِي الْمَحْيَا وَ الْمَمَاتِ ، وَ الْمَوْقِفِ وَ النَّشُورِ ، وَ الْحِسَابِ

در زندگی و مرگ و جایگاه آن جهان، و بازگشت دوباره، و کنار حساب

وَ الْمِيزَانِ ، وَ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَ سَلِّمْنِي عَلَى الصِّرَاطِ ،

و میزان، و هراسهای روز قیامت، و بر صراط و سالم مدار،

وَ أَجْزِنِي عَلَيْهِ ، وَ ارْزُقْنِي عِلْمًا نَافِعًا ، وَ يَقِينًا صَادِقًا ، وَ تَقَى

و از آن بگذرانم، و نصیب من فرما دانش سودمند و یقین صادقانه و تقوا و نیکی و پارسایی

وَ بِرًّا ، وَ وَرَعًا وَ خَوْفًا مِنْكَ ، وَ فَرَقًا يُبَلِّغُنِي مِنْكَ زُلْفَى ،

و بیم از خود، و ترسی که مرا به مقام قرب تو برساند

وَ لَا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ ، وَ أَحْبِبْنِي وَ لَا تُبْغِضْنِي ، وَ تَوَلَّنِي

و از تو دورم نسازد، و دوستم بدار، و دشمنم مدار،

وَ لَا تُخْذِلْنِي ، وَ أَعْطِنِي مِنْ جَمِيعِ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ،

و سرپرستم باش، و مرا وا مگذار، و از همه خیر دنیا و آخرت،

مَا عَلِمْتُ مِنْهُ ، وَ مَا لَمْ أَعْلَمْ ، وَ أَجْرِنِي مِنَ السُّوءِ كُلِّهِ

آنچه که از آن دانستم و ندانستم به من عطا فرما، و از همه بدیها

## دُعایابی برای خواجه دنیا و آخرت

بِحَذَائِرِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ، وَمَا لَمْ أَعْلَمْ.

و ندانستم پناهم ده.

به تمامی اش آنچه را از آن دانستم

شانزدهم: از معاویه بن عمار نقل شده: به حضرت صادق  
عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: آیا مرا به آموختن دعایی اختصاص  
نمی دهی؟ فرمود: چرا، بگو:

يَا وَاحِدُ يَا مَاجِدُ، يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ،

ای یگانه، ای بزرگوار، ای یکتا، ای بی نیاز، ای که نزاد، و زاده نشده،

وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، يَا عَزِيزُ يَا كَرِيمُ يَا حَنَّانُ، يَا سَامِعَ

و احدی همتایش نیست، ای عزیز، ای بزرگوار، ای پرمهر، ای شنوای

الدَّعَوَاتِ، يَا أَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا خَيْرَ مَنْ أُعْطِيَ؛ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ

دعاها، ای بخشنده ترین کسی که درخواست شد، ای بهترین کسی که عطا کرد، ای خدا ای خدا

يَا اللَّهُ، قُلْتُ: ﴿وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعَمَ الْمُجِيبُونَ﴾؛ آنگاه

ای خدا، فرمودی: نوح ما را خواند، پس ما چه خوب پاسخگویی بودیم.

حضرت فرمود: رسول خدا ﷺ می گفت:

نِعْمَ لِنِعَمِ الْمُجِيبِ أَنْتَ، وَ نِعَمَ الْمَدْعُوِّ، وَ نِعَمَ الْمَسْئُولِ، أَسْأَلُكَ

آری همانا تو خوب پاسخ گویی هستی، و خوب خواننده شده ای می باشی، و خوب درخواست شده ای،

بِنُورِ وَجْهِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ، وَ قُدْرَتِكَ وَ جَبْرُوتِكَ،

به نور جلوهات از تو می خواهم، به عزت و قدرت و جبروتت و

وَ أَسْأَلُكَ بِمَلَكُوتِكَ وَ دِرْعِكَ الْحَصِينَةِ، وَ بِجَمْعِكَ

از تو می خواهم، به ملکوت و دژ محکم و جمع و همه پایه هایت

وَ أَرْكَانِكَ كُلِّهَا، وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ بِحَقِّ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ، أَنْ

از تو درخواست می کنم، و به حق محمد و به حق جانشینان پس از محمد اینکه

تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا.

بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و با من چنین و چنان کنی

## دُعایابی برای خویج دنیا و آخرت

هفدهم: روایت شده: شخصی از مردم کوفه معروف به ابوجعفر، به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: به من دعایی بیاموز، که آن را بخوانم، فرمود: بگو:

يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ، وَيَا مَنْ آمَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ كُلِّ عُسْرَةٍ،

ای که برای هر خیری امیدوار به اویم، ای که نزد هر دشواری از خشمش ایمنم،

وَيَا مَنْ يُعْطِي بِالْقَلِيلِ الْكَثِيرَ؛ يَا مَنْ أَعْطَى مَنْ سَأَلَهُ، تَحْنُتًا

ای که در برابر اندک، بسیار عطا می کند، ای که هر که از او خواست، از روی مهر

مِنْهُ وَرَحْمَةً؛ يَا مَنْ أَعْطَى مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ، صَلَّى عَلَيَّ

و رحمتش بخشید، ای که هر که از او نخواست و او را نشناخت عطا فرمود، بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ (وَ آلِهِ)، وَأَعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي، مِنْ جَمِيعِ خَيْرِ

محمد و خاندان محمد درود فرست، و به درخواستم از همه خیر

الدِّينِ، وَ جَمِيعِ خَيْرِ الْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا أَعْطَيْتَنِي،

دنیا، و همه خیر آخرت به من عطا کن، زیرا کاستنی نیست آنچه را که به من عطا کنی،

وَ زِدْنِي مِنْ سَعَةِ فَضْلِكَ؛ يَا كَرِيمُ.

و از فراخی فضلت به من بیفزای ای کریم

هجدهم: روایت شده: حضرت باقر علیه السلام این دعا را به برادرش عبد الله بن علی تعلیم فرمود:

اللَّهُمَّ ارْفَعْ ظَنِّي صَاعِدًا، وَلَا تُطْمِعْ فِيَّ عَدُوًّا وَلَا حَاسِدًا،

خدایا گمانم را رفعت ده، تا از مرحله سوء ظن به فضای حسن ظن بالا رود، و درباره من دشمنی و حسودی

وَ احْفَظْنِي قَائِمًا وَ قَاعِدًا، وَ يَقْظَانَ وَ رَاقِدًا. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي

را به طمع مینداز، و مرا در حال ایستاده و نشسته، و در بیداری و خواب حفظ فرما، خدایا مرا بیامرز،

وَ ارْحَمْنِي، وَ اهْدِنِي سَبِيلَكَ الْأَقْوَمَ، وَ قِنِي حَرَجَهُمْ، وَ احْطُطْ

و به من رحم کن، و مرا به راه استوارترت هدایت فرما، و از سوزش دوزخ حفظ کن، و سنگینی



## دُعایابی برای خواجه دنیا و آخرت

عَنِّي الْمَغْرَمَ وَالْمَأْتَمَّ، وَاجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ الْعَالَمِ.

بدهی و گناه را از من فروریز، و مرا از خوبان جهان قرار ده

نوزدهم: روایت شده: این دعای الحاح [پافشاری در طلب]

است: اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا بَيْنَهُنَّ ، وَ رَبَّ

خدایا پروردگار آسمانهای هفتگانه، و آنچه در میان آنهاست، و پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ، وَ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ ، وَ رَبَّ

عرش بزرگ، و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، و پروردگار

الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ ، وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالَّذِي

قرآن با عظمت، و پروردگار محمد خاتم پیامبران، از تو درخواست می کنم به حق

تَقُومُ بِهِ السَّمَاءُ ، وَ بِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ ، وَ بِهِ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْجَمْعِ ،

آنچه آسمان به آن می ایستد، و زمین به آن می ایستد، و با آن بین جمع را جدایی می اندازی،

وَ بِهِ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ ، وَ بِهِ تَرْزُقُ الْأَحْيَاءَ ، وَ بِهِ أَحْصَيْتَ

و با آن میان پراکنده را جمع می نمایی، و با آن به زنده ها روزی می دهی، و با آن

عَدَدَ الرَّمَالِ ، وَ وَزْنَ الْجِبَالِ وَ كَيْلَ الْبُحُورِ ؛ سِيسَ بِرِ مُحَمَّدٍ

عدد ریگها و وزن کوهها و پیمانها دریاها را شماره کردی

و آل محمد صلوات می فرستی، و حاجت خود را می خواهی،

و در طلب حاجت پافشاری و اصرار می ورزی.

بیستم: از ثقه جلیل ابن ابی یعفر روایت شده: حضرت

صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ این دعا را می خواند: اللَّهُمَّ اَمْلَأْ قَلْبِي

خدایا دلم را از محبتت،

حُبًّا لَكَ ، وَ خَشْيَةً مِنْكَ ، وَ تَصَدِيقًا وَ اِيْمَانًا بِكَ ، وَ فَرَقًا مِنْكَ ،

و خشیتت، و تصدیق و ایمان به حقیقتت، و هراس از حضرتت،

## دُعایابی برای خویج دنیا و آخرت

وَشَوْقًا إِلَيْكَ؛ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ لِقَاءَكَ،

و شوق به سویت پُر کن، ای صاحب عظمت و اکرام، خدایا لقایت را محبوب من گردان،

وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ خَيْرَ الرَّحْمَةِ وَالْبَرَكَاتِ، وَ الْحِقْنِي

و در لقایت بهترین رحمت و برکت را برای من قرار ده، و مرا به

بِالصَّالِحِينَ، وَلَا تُؤَخِّرْنِي مَعَ الْأَشْرَارِ، وَ الْحِقْنِي بِصَالِحِ

شایستگان بپیوند، و همراه اشرار در پیام مینداز، و به شایستگانی که

مَنْ مَضَى، وَاجْعَلْنِي مَعَ صَالِحٍ مِّنْ بَقِيٍّ، وَخُذْ بِي سَبِيلَ

درگذشتند برسان، و با شایستگانی که مانده‌اند قرارم ده، و مرا به راه

الصَّالِحِينَ، وَاعْنِي عَلَى نَفْسِي، بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى

شایستگان ببر، و مرا بر خویشتن یاری ده، آن‌طور که شایستگان را بر خویشتنشان

أَنْفُسِهِمْ، وَلَا تُرَكِّنِي فِي سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ؛ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ؛

یاری می‌دهی، و مرا در آن بدی که از آن نجاتم دادی باز مگردان، ای پروردگار جهانیان،

أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ، تُحْيِيْنِي وَ تُمِيتُنِي عَلَيْهِ،

از تو ایمانی می‌خواهم، که برایش مدتی جز لقای تو نباشد، بر آن زنده‌ام بداری و بمیرانی،

وَ تَبَعْنِي عَلَيْهِ إِذَا بَعَثْتَنِي، وَ أBRئِ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالسُّمْعَةِ،

و مرا بر آن برانگیزانی زمانی که بر می‌انگیزیم، و دلم را از ریا و شهرت طلبی

وَالشَّكِّ فِي دِينِكَ. اللَّهُمَّ اعْطِنِي نَصْرًا فِي دِينِكَ، وَ قُوَّةً فِي

و تردید در دینت پاک کن، خدایا به من عطا کن، پیروزی در دینت، و نیرو در

عِبَادَتِكَ، وَ فَهْمًا فِي خَلْقِكَ، وَ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ بَيِّضَ

عبادتت، و فهم در آفرینشت، و دو بهره از رحمتت، و رویم را به

وَجْهِي بِنُورِكَ، وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ، وَ تَوْفَنِي فِي

نورت سپید کن، و شوقم را در آنچه نزد توست قرار ده، مرا در

سَبِيلِكَ، عَلَى مِلَّتِكَ وَ مِلَّةِ رَسُولِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ

راه خود بر پایه آیینت و آیین رسولت بمیران، خدایا از بی‌حالی

مِنَ الْكَسَلِ وَ الْهَرَمِ، وَ الْحُبْنِ وَ الْبُخْلِ، وَ الْغَفْلَةِ وَ الْقَسْوَةِ،

و پیری و ترس و بخل و بی‌خبری و سنگدلی

## دُعایابی برای حوائج دنیا و آخرت

وَالْفَتْرَةَ وَ الْمَسْكَنَةَ ، وَ أَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ ،

و سستی و مسکنت به تو پناه می آورم، ای پروردگارم، از نفسی که سیر نمی شود،

وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ ، وَ مِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ ، وَ مِنْ صَلَاةٍ

و قلبی که بیم نمی کند، و دعایی که اجابت نمی شود، و نمازی که سود

لَا تَنْفَعُ ، وَ أُعِيدُ بِكَ نَفْسِي ، وَ أَهْلِي وَ ذُرِّيَّتِي ، مِنْ الشَّيْطَانِ

نمی بخشد به تو پناه می آورم، و خود، و خاندان و فرزندانم را از شیطان رانده شده به

الرَّجِيمِ . اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ اَحَدٌ ، وَلَا اَجِدُ مِنْ دُونِكَ

پناه تو می دهم، خدایا احدی جز تو مرا پناه ندهد، و من جز تو پناهگاهی

مُلْتَحَدًا ، فَلَا تَخْذُلْنِي ، وَلَا تَرُدَّنِي فِي هَلَاكَةٍ ، وَلَا تَرُدَّنِي بِعَذَابٍ ؛

نمی یابم، پس مرا وا مگردان، و به هلاکت باز مگردان، و به عذاب رد مکن،

اَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ عَلَى دِينِكَ ، وَ التَّصَدِيقَ بِكِتَابِكَ ، وَ اتِّبَاعَ

پایداری در دینت، و تصدیق به کتابت، و پیروی رسولت را

رَسُولِكَ . اَللّٰهُمَّ اذْكُرْنِي بِرَحْمَتِكَ ، وَلَا تَذْكُرْنِي بِخَطِيئَتِي ،

از تو می خواهم، خدایا مرا به رحمتت یاد کن، و به خطایم یاد مکن،

وَ تَقَبَّلْ مِنِّي ، وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ ، اِنِّي اِلَيْكَ رَاغِبٌ . اَللّٰهُمَّ

و از من بپذیر، و از فضلت بر من بیفزاه، من مشتاق توام، خدایا

اجْعَلْ ثَوَابَ مَنْطِقِي وَ ثَوَابَ مَجْلِسِي رِضَاكَ عَنِّي ، وَ اجْعَلْ

پاداش گفتارم و ثواب مجلسم را خشنودیات از من قرار ده،

عَمَلِي وَ دُعَائِي خَالِصًا لَكَ ، وَ اجْعَلْ ثَوَابِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ ،

و عمل و دعایم را برای خود خالص گردان. و به رحمتت پاداشم را بهشت قرار ده،

وَ اجْمَعْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ ، وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ ، اِنِّي اِلَيْكَ

و همه آنچه از تو خواستم را برایم جمع کن، و از فضلت بر من بیفزاه، من

رَاغِبٌ . اَللّٰهُمَّ غَارَتِ النُّجُومُ ، وَ نَامَتِ الْعُيُوتُ ، وَ اَنْتَ

مشتاق توام. خدایا ستارگان پنهان شدند، و دیده ها به خواب رفتند، و تو

الْحَيُّ الْقَيُّومُ ، لَا يُوَارِي مِنْكَ لَيْلٌ سَاجٍ ، وَ لَا سَمَاءٌ ذَاتُ اَبْرَاجٍ ،

زنده و پاینده ای، شب تاریک از تو چیزی را نمی پوشاند، و نه آسمانها دارای برج ها،

## دُعایابی برای خویج دنیا و آخرت

وَلَا أَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ، وَلَا بَحْرٌ حُلِيٌّ، وَلَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ

و نه زمین دارای گسترده‌گی، و نه دریای ژرف، و نه تاریکیهایی که بعضی بالای

بَعْضٍ، تُدْجِ الرِّحْمَةَ عَلَىٰ مَنْ تَشَاءُ مِنْ خَلْقِكَ، تَعْلَمُ خَائِنَةَ

بعضی دیگرند رحمتت را شبانه بر هر که از بندگان بخواهی فرو می‌فرستی، خیانت

الْأَعْيُنِ، وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ؛ أَشْهَدُ بِمَا شَهِدْتَ بِهٖ عَلَىٰ نَفْسِكَ،

دیده‌ها را، و آنچه سینه‌ها پنهان می‌کند می‌دانی، گواهی می‌دهم به آنچه خود بر خود

وَشَهِدْتَ مَلَائِكَتِكَ وَأَوْلِيَا الْعِلْمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ

گواهی دادی، و فرشتگانت و صاحبان دانش گواهی دادند، که معبودی جز تو نیست، عزیزی

الْحَكِيمُ، وَمَنْ لَمْ يَشْهَدْ عَلَىٰ مَا شَهِدْتَ عَلَىٰ نَفْسِكَ، وَشَهِدْتَ

و حکیم، و هر که گواهی نداد به آنچه بر خود گواهی دادی

مَلَائِكَتِكَ وَأَوْلِيَا الْعِلْمِ، فَكُتِبَ شَهَادَتِي مَكَانَ شَهَادَتِهِ .

و فرشتگانت و صاحبان دانش گواهی دادند، گواهی مرا به جای گواهی او بنویس،

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ

خدایا تویی سلام، و از توست سلام، ای دارای شوکت

وَالْإِكْرَامِ، أَنْ تَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

و اکرام، اینکه مرا از آتش دوزخ برهانی.

مؤلف گوید: این دعا را شیخ طوسی در کتاب «مصباح» بعد

از رکعت چهارم نافله شب ذکر فرموده، و علامه مجلسی

روایتی از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرده: این دعا را در نماز

وتر بخوان.

بیست و یکم: روایت شده: این دعای ابوذر است که جبرئیل

درباره آن به حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کرد: نزد

## دُعایابی برای حویج دنیا و آخرت

اهل آسمان دعایبی معروف است: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَالْإِيمَانَ، وَالتَّصَدِيقَ بِنَبِيِّكَ، وَالعَافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ البَلَاءِ، وَالشُّكْرَ عَلَى العَافِيَةِ، وَالعِنْيَ عَنِ شِرَارِ النَّاسِ.**

بیست و دوم: از ابو حمزه روایت شده: این دعا را از حضرت باقر علیه السلام گرفتم، و آن حضرت این دعا را جامع می نامید: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، گواهی می دهم که معبودی جز خدا

**وَحَدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،**

نیست، یگانه و بی شریک است، و گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده اوست،

**أَمَنْتُ بِاللَّهِ، وَبِجَمِيعِ رُسُلِهِ، وَبِجَمِيعِ مَا أُنزِلَ بِهِ عَلَى جَمِيعِ**

به خدا، و همه فرستادگانش، و همه آنچه که بر تمام فرستادگان نازل شد

**الرُّسُلِ، وَأَنَّ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا، وَلِقَاءَهُ حَقًّا، وَصَدَقَ اللَّهُ، وَبَلَغَ**

ایمان آوردم، و اینکه وعده خدا، و لقایش حق است، و خدا راست گفت و فرستادگان

**الْمُرْسَلُونَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ كُلَّمَا**

رساندند، و ستایش خدای را پروردگار جهانیان. و تنزیه خدای را هر زمان که

**سَبَّحَ اللَّهُ شَيْئًا، وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُسَبَّحَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ**

چیزی خدا را تنزیه کند، و آنچنان که خدا دوست دارد تنزیه شود، و ستایش خدای را،

**كُلَّمَا حَمِدَ اللَّهُ شَيْئًا، وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحَمَدَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،**

هر زمان که موجودی او را ستایش کند، و آنچنان که خدا دوست دارد ستایش شود، و معبودی جز خدا نیست

**كُلَّمَا هَلَّلَ اللَّهُ شَيْئًا، وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُهَلَّلَ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ كُلَّمَا**

هر زمان که چیزی خدا را تهلیل گوید، و آنچنان که خدا دوست دارد تهلیل شود، و خدا بزرگ تر است، هر زمان که

## دُعایابی برای خویج دنیا و آخرت

كَبَّرَ اللَّهُ شَيْءًا ، وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُكَبَّرَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

چیزی خدا را بزرگ شمارد، و آنچه‌ای که خدا دوست دارد بزرگ شمرده شود. خدایا از تو می‌خواهم،

مَفَاتِيحَ الْخَيْرِ ، وَ خَوَاتِيمَهُ وَ سَوَابِغَهُ ، وَ فَوَائِدَهُ وَ بَرَكَاتِهِ ،

کلیدهای خیر و انجامهایش را، و فراوانی و فایده‌ها و برکاتش را،

وَ مَا بَلَغَ عِلْمَهُ عِلْمِي ، وَ مَا قَصَرَ عَنِ احْتِصَائِهِ حِفْظِي . اللَّهُمَّ

و آنچه به دانستنش دانشم رسید، و آنچه قدرت حافظه‌ام از شمارش کوتاه آمد، خدایا

انْهَجْ لِي أَسْبَابَ مَعْرِفَتِهِ ، وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَهُ ، وَ عَشِّنِي بِرَكَاتِ

اسباب شناختش را برایم روشن کن، و درهایش را برایم بگشا، و برکات

رَحْمَتِكَ ، وَ مَنْ عَلَى بَعْصَمَةٍ عَنِ الْإِزَالَةِ عَنِ دِينِكَ ، وَ طَهَّرْ

رحمتت را بر من بیوشان، و به بازدارندگی از برکنار شدن از دینت بر من منت گذار،

قَلْبِي مِنَ الشَّكِّ ، وَ لَا تَشْغَلْ قَلْبِي بِدُنْيَايَ ، وَ عَاجِلِ مَعَاشِي عَنِ

و دلم را از شک پاک فرما، و قلبم را به دنیا، و زودگذر زندگی‌ام را از دیر رسیدن

أَجَلِ ثَوَابِ آخِرَتِي ، وَ اشْغَلْ قَلْبِي بِحِفْظِ مَا لَا تَقْبَلُ مِنِّي

پاداش آخرتم سرگرم مکن، و دلم را به نگهداری آنچه ندانستنش را از من نپذیری

جَهْلَهُ ، وَ ذَلِّلْ لِكُلِّ خَيْرٍ لِسَانِي ، وَ طَهَّرْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ ،

مشغول کن، و زبانم را برای هر خیر رام کن، و دلم را از ریا پاک گردان،

وَ لَا تُجْرِهِ فِي مَفَاصِلِي ، وَ اجْعَلْ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ . اللَّهُمَّ إِنِّي

و آن را در مفاصلم جریان مده، و عملم را برای خویشتن خالص گردان. خدایا

أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ ، وَ أَنْوَاعِ الْفَوَاحِشِ كُلِّهَا ، ظَاهِرِهَا وَ بَاطِنِهَا

به تو پناه می‌آورم، از شر، و انواع همه کارهای زشت، آشکار و نهانش،

وَ غَفْلَاتِهَا ، وَ جَمِيعِ مَا يُرِيدُنِي بِهِ الشَّيْطَانُ الرَّجِيمُ ، وَ مَا يُرِيدُنِي

و غفلتهایش، و همه آنچه شیطان رانده شده مرا به آن قصد می‌کند،

بِهِ السُّلْطَانُ الْعَنِيدُ ، مِمَّا أَحَطَّتْ بِعِلْمِهِ ، وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى

و آنچه سلطان لجباز مرا به آن اراده می‌نماید، از آنچه به دانستن آن احاطه داری، و حضرتت به بازگرداندنش

صَرْفِهِ عَنِّي . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ طَوَارِقِ الْمَجْنِّ وَالْإِنْسِ ،

از من توانایی، خدایا به تو پناه می‌آورم از راهزنان شبانه جن و انس،

## دُعایابی برای خواجه دنیا و آخرت

و زَوَابِعِهِمْ وَ بَوَائِقِهِمْ وَ مَكَائِدِهِمْ ، وَ مَشَاهِدِ الْفَسَقَةِ مِنْ

و پر خاش جویبی هایشان، و شرورشان، و توطئه هایشان، و حضور گاههای بدکاران

الْحِنِّ وَالْإِنْسِ ، وَ أَنْ أُسْتَزَلَ عَنْ دِينِي ، فَتَفْسُدَ عَلَيَّ آخِرَتِي ،

جن و انس، و اینکه از دینم لغزنده شوم، در نتیجه آخرتم تباه گردد،

وَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ مِنْهُمْ ضَرَرًا عَلَيَّ فِي مَعَاشِي ، أَوْ يَعْزِضَ بِلَائِي

و اینکه این امر از جانب آنان زبانی در زندگی ام باشد، یا مرا از سوی ایشان بلایی

يُصِيبُنِي مِنْهُمْ ، لِقُوَّةِ لِي بِهِ ، وَلَا صَبْرَ لِي عَلَىٰ أَحْتِمَالِهِ ،

عارض شود، که طاقتش را ندارم، و شکیبایی و تحملش برایم نیست،

فَلَا تَبْتَلِيَنِي يَا إِلَهِي بِمُقَاسَاتِهِ ، فَيَمْنَعُنِي ذَلِكَ عَنْ ذِكْرِكَ ،

بنابر این ای معبود من به رنج آن دچارم مساز، تا از یادت بازم دارد،

وَ يَشْغَلُنِي عَنْ عِبَادَتِكَ ؛ أَنْتَ الْعَاصِمُ الْمَانِعُ ، الدَّافِعُ الْوَاقِي مِنْ

و از عبادتت مانعم شود، از همه اینها تنها تویی نگهدار، بازدارنده، دورکننده

ذَلِكَ كُلِّهِ . أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الرَّفَاهِيَّةَ فِي مَعِيشَتِي مَا أَبْقَيْتَنِي ،

نگاهبان، خدایا رفاه در زندگی را تا زنده‌ام داری از تومی خواهم،

مَعِيشَةً أَقْوَىٰ بِهَا عَلَىٰ طَاعَتِكَ ، وَ أَبْلُغُ بِهَا رِضْوَانَكَ ، وَ أَصِيرُ بِهَا

آن زندگی که به وسیله آن بر طاعتت نیرومند شوم، و با آن به خوشنودی‌ات دست یابم، و فردا به سبب آن

إِلَىٰ دَارِ الْحَيَوَانِ غَدًا ، وَ لَا تَرْزُقْنِي رِزْقًا يُطْغِينِي ، وَ لَا تَبْتَلِيَنِي

به سوی خانه زندگانی جاودان بروم، مرا رزقی روزی مکن که به طغیانم افکند، و به فقری

بِفَقْرٍ أَشْقَىٰ بِهِ مُضَيِّقًا عَلَيَّ ، أَعْطِنِي حَظًّا وَافِرًا فِي آخِرَتِي ،

دچار مساز که به سبب آن بدبخت شوم، در حالی که زندگی بر من تنگ گرفته شود، در آخرتم بهره شایان به من عطا فرما،

وَ مَعَاشًا وَاسِعًا هَنِيئًا مَرِيئًا فِي دُنْيَايَ ، وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا ،

و در دنیایم معاش گسترده گوارای لذیذ به من مرحمت کن، دنیا را زندان من مساز،

وَ لَا تَجْعَلِ فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا ، أَجْرِنِي مِنْ فِتْنَتِهَا ، وَ اجْعَلْ عَمَلِي

و فراقش را برای من سبب اندوه مکن، از فتنه هایش پناهم بده، عملم را در آن

فِيهَا مَقْبُولًا ، وَ سَعِي فِيهَا مَشْكُورًا . اللَّهُمَّ وَ مَنْ أَرَادَنِي

پذیرفته، و کوششم را قدردانی شده قرار بده، خدا یا و هر کس مرا

## دُعایابی برای خویج دنیا و آخرت

بِسْوَةٍ فَارِدَةٍ بِمِثْلِهِ، وَمَنْ كَادَنِي فِيهَا فَكِدُهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي هَمًّا

به بدی اراده کرده، به مانندش او را اراده کن، و هر که در باره ام

مَنْ أَدَخَلَ عَلَيَّ هَمًّا، وَامْكُرْ بَيْنَ مَكْرِبِي، فَإِنَّكَ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ،

بداندیشی نموده، تو هم با او چنان کن، و اندوه کسی که اندوهش را بر من وارد نموده از من بازگردان، و با هر که مکرم کند

وَافْقَاعَنِّي عُيُونَ الْكَافِرَةِ الظَّالِمَةِ، وَالطُّغَاةِ الْحَسَدَةِ. اللَّهُمَّ

مکر کن، که تو بهترین مکر کنندگانی، دیدگان کافران ستمگر، و سرکشان حسود را نسبت به من کور کن، خدایا

وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْكَ السَّكِينَةَ، وَالْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ،

از جانب خود آرامش بر من فرو فرست، و زره محکمت را به من بیوشان،

وَاحْفَظْنِي بِسِتْرِكَ الْوَاقِي، وَ جَلِّئْنِي عَافِيَتِكَ التَّافِعَةَ،

و مرا به پوشش نگهداریت نگاه بدار، و عافیت سودمندت را در بر من کن،

وَ صَدِّقْ قَوْلِي وَ فِعَالِي، وَ بَارِكْ لِي فِي وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي.

و گفتار و کردارم را تصدیق کن، و مرا در فرزند و خاندان و دارایی ام برکت ده،

اللَّهُمَّ مَا قَدَّمْتُ وَ مَا آخَرْتُ، وَ مَا أَغْفَلْتُ وَ مَا تَعَمَّدْتُ

خدایا آنچه پیش فرستادم، و پس از این می فرستم، و آنچه در آن غفلت ورزیدم، و آنچه عمد داشتم

وَ مَا تَوَانَيْتُ، وَ مَا أَعْلَنْتُ وَ مَا أَسْرَرْتُ، فَاعْفِرْهُ لِي؛ يَا أَرْحَمَ

و سستی کردم، و آشکار نموده، و پنهان کردم، برایم ببامرز، ای مهربان ترین

الرَّاحِمِينَ.

مهربانان.

بیست و سوم: از محمد بن مسلم روایت شده:

حضرت باقر عليه السلام فرمود بخوان: اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي،

خدایا بر من روزی ام در روزی ام بر من وسعت ده،

وَ امدُدْ لِي فِي عُمُرِي، وَ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْصِرُهُ

و عمرم را طولانی کن، و گناهم را ببامرز، و مرا از کسانی قرار ده که به آنها دینت

لِدِينِكَ، وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي.

را یاری دهی، و مرا با دیگری جایگزین مکن.



## دُعایابی برای حوایج دنیا و آخرت

بیست و چهارم: روایت شده: حضرت صادق علیه السلام این

دعا را می خواندند: **يَا مَنْ يَشْكُرُ الْيَسِيرَ، وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ،**

ای آن که اندک را قدردانی می کنی، و از بسیار، درمی گذری،

**وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ، الَّتِي ذَهَبَتْ لَذَّتْهَا**

و او آمرزنده و مهربان است، گناھانی را که خوشی هایش از میان رفته، و مکافاتش همچنان

**وَبَقِيَتْ تَبِعَتْهَا.**

مانده برایم بیامرز

بیست و پنجم: و نیز روایت شده: آن حضرت این دعا را

می خواندند: **يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَيَا آخِرَ**

ای نور، ای بسیار مقدس، ای آغاز آغازها، و ای پایان

**الْآخِرِينَ، يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ،**

پایانها، ای بخشاینده، ای مهربان، برایم بیامرز گناھانی را که نعمتها را دگرگون می سازد،

**وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُحِلُّ النِّقَمَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي**

و گناھانی را که انتقامها را فرود می آورد، و گناھانی را که

**تَهْتِكُ الْعِصَمَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي**

پردهها را می درد، و گناھانی را که بلاها را نازل می نماید، و گناھانی را که

**الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ**

دشمنان را پیروز می کند، و گناھانی را که نابودی را

**الْفَنَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي**

زود می آورد، و گناھانی را که امید را قطع می کند، و گناھانی را که

**الذُّنُوبَ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ**

هوا را تاریک می کند، و گناھانی را که پردههای حرمت را

**الْغِطَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ**

کنار می زند، و گناھانی را که دعا را باز می گرداند، و گناھانی را

## دُعایابی برای خویج دنیا و آخرت

الَّتِي تَرُدُّ غَيْثَ السَّمَاءِ .

که از باران آسمان پیش‌گیری می‌کند.

بیست و ششم: و نیز این دعا از آن حضرت نقل شده:

يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي، وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، وَيَا وِلِيَّتِي فِي نِعْمَتِي،

وَيَا غِيَاثِي فِي رَغْبَتِي. و آن حضرت فرموده: این دعا دعای

امیرمؤمنان علیه السلام است: اَللّٰهُمَّ كَتَبْتَ الْاَثَارَ، وَ عَلِمْتَ

خدایا آثار را نوشتی، و اخبار

الْاَخْبَارَ، وَ اطَّلَعْتَ عَلٰى الْاَسْرَارِ، فَحَلَّتْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ

را دانستی، و بر اسرار آگاه شدی، و میان ما و دلها

الْقُلُوبِ، فَالْسِّرُّ عِنْدَكَ عَلَانِيَةً، وَ الْقُلُوبُ اِلَيْكَ مُفَضَّةٌ،

پرده شدی، پنهان نزد تو آشکار است، دلها به درگاهت راز گشاده‌اند،

وَ اِنَّمَا اَمْرُكَ لِسُوءٍ اِذَا اَرَدْتَهُ، اَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ، فَقُلْ

و تنها فرمانت برای چیزی آنگاه که آن را اراده کنی، این است که به او بگویی باش، پس بشود، بنابر این

بِرَحْمَتِكَ لِطَاعَتِكَ، اَنْ تَدْخُلَ فِي كُلِّ عَضْوٍ مِنْ اَعْضَائِي،

از باب رحمتت به طاعتت بگو در هر عضوی از اعضای من وارد شود،

وَلَا تُفَارِقْنِي حَتَّى اَلْقَاكَ، وَ قُلْ بِرَحْمَتِكَ لِعَصِيَّتِكَ، اَنْ

و از من جدا نشود، تا تو را ملاقات کنم، و از باب رحمتت به معصیتت

تَخْرُجَ مِنْ كُلِّ عَضْوٍ مِنْ اَعْضَائِي، فَلَا تُقَرِّبْنِي (تَقَرَّبْنِي) حَتَّى

بگو از هر عضوی از اعضای من خارج شود، و به من نزدیک نگردد تا تو را

اَلْقَاكَ، وَ اَرْزُقْنِي مِنَ الدُّنْيَا، وَ زَهِّدْنِي فِيهَا، وَ لَا تَزُوْهَا عَنِّي

ملاقات کنم، و از دنیا نصیبم ده، و در آن بی‌رغبتم کن، و از آن درحالی که رغبت

وَ رَغِبْتِي فِيهَا؛ يَا رَحْمَنُ .

در آن دارم محروم منما، ای بخشاینده

## دُعایابی برای حویج دنیا و آخرت

بیست و هفتم: علی بن ابراهیم از پدرش ، از ابن محبوب ،

از علاء بن رزین ، از عبدالرحمن بن سیّاب روایت کرده:

حضرت صادق علیه السلام این دعا را به من عطا فرمود: **الْحَمْدُ لِلَّهِ**

ستایش خدای را،

**وَلِيِّ الْحَمْدِ وَ أَهْلِهِ ، وَ مِنْتَاهُ وَ مَحَلِّهِ ، أَخْلَصَ مِنْ وَحْدِهِ ،**

سرپرست ستایش و شایسته ستایش و نهایت و جایگاه آن است ، اخلاص ورزید آن که یگانه‌اش دانست ،

**وَ اهْتَدَى مِنْ عَبْدِهِ ، وَ فَازَ مَنْ أَطَاعَهُ ، وَ آمِنَ الْمُعْتَصِمُ بِهِ .**

وره یافت آن که او را پرستید ، و رستگار شد آن که از او اطاعت نمود ، و چنگ زنده به او ایمنی یافت ،

**اللَّهُمَّ يَا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ ، وَ الثَّنَاءِ الْجَمِيلِ وَ الْحَمْدِ ، أَسْأَلُكَ**

خدایا ای دارای بخشش و بزرگواری ، و ثنای نیک و ستایش ، از تو می‌خواهم ،

**مَسْأَلَةً مِنْ خُضَعِ لَكَ بِرِقَبَتِهِ ، وَ رَغَمَ لَكَ أَنْفِهِ ، وَ عَفَّرَ لَكَ**

خواستن کسی که با تمام وجودش برایت فروتن گشته ، و خود را در برابرت خوار نموده ، و چهره‌اش را برایت

**وَ جَهَّهُ ، وَ ذَلَّلَ لَكَ نَفْسَهُ ، وَ فَاضَتْ مِنْ (عَنْ) خَوْفِكَ**

به خاک ساییده ، و جانش را برایت به خواری افکنده ، و اشک‌هایش از بیمت

**دُمُوعُهُ ، وَ تَرَدَّدَتْ عِبْرَتُهُ ، وَ اعْتَرَفَ لَكَ بِذُنُوبِهِ ، وَ فَضَحَتْهُ**

جاری گشته ، و سیرشکش پیاپی ریزان شده ، و به گناهانش در برابرت اعتراف کرده ، و خطایش او را

**عِنْدَكَ خَطِيئَتُهُ ، وَ شَأْنَتُهُ عِنْدَكَ جَرِيرَتُهُ ، فَضَعُفَتْ عِنْدَ**

نزد تو رسوا نموده ، و جنایتش او را نزد تو زشت ساخته ، پس کنار این امور نیرویش

**ذَلِكَ قُوَّتُهُ ، وَ قَلَّتْ حِيلَتُهُ ، وَ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَسْبَابُ خَدَائِعِهِ ،**

ضعیف شده ، و چاره‌اش کم گشته ، و وسایل نیرنگ‌هایش از او بریده ،

**وَ اضْمَحَلَّ عَنْهُ كُلُّ بَاطِلٍ ، وَ الْحِجَاتُ ذُنُوبُهُ إِلَى ذَلِّ مَقَامِهِ بَيْنَ**

و هر باطلی از او پاشیده شد ، و گناهانش او را به خواری مقامش

**يَدَيْكَ ، وَ خُضُوعِهِ لَدَيْكَ ، وَ ابْتِهَالِهِ إِلَيْكَ ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ**

در برابرت ، و خضوع در پیشگاهت ، و زاری به سویت و ادوار نموده است ، از تو می‌خواهم خدایا ،

## دُعایابی برای خویج دنیا و آخرت

سُؤَالَ مَنْ هُوَ بِمَنْزِلَتِهِ، أَرَعْبُ إِلَيْكَ كَرَعْبَتِهِ، وَاتَضَرَّعُ إِلَيْكَ

خواستن آن که به منزله اوست، به تو رغبت می نمایم مانند رغبت او، و زاری می کنم

كَتَضَرُّعِهِ، وَابْتِهَلُ إِلَيْكَ كَأَشَدِّ ابْتِهَالِهِ. اللَّهُمَّ فَارْحَمِ اسْتِكَانَةَ

به پیشگاه تو مانند زاری او، و ناله می کنم به درگاہت به شدیدترین ناله او، خدایا به درماندگی

مَنْطِقِي، وَذُلَّ مَقَامِي وَ مَجْلِسِي، وَ خُضُوعِي إِلَيْكَ بِرَقَبَتِي،

گفتارم، و خواری مقام و جایگاهم، و به خضوع به درگاہت با همه وجودم و خضوعی ایستادگی،

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الْهُدَى مِنَ الضَّلَالَةِ، وَالْبَصِيرَةَ مِنَ الْعَمَى،

از تو می خواهم خدایا، هدایت از گمراهی را، و بینایی و بینایی از کوردلی را،

وَالرُّشْدَ مِنَ الْغَوَايَةِ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَكْثَرَ الْحَمْدِ عِنْدَ

و رشد از بیراهه را، و از تو می خواهم خدایا ستایش بسیار را هنگام

الرَّخَاءِ، وَأَجْمَلَ الصَّبْرِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَأَفْضَلَ الشُّكْرِ عِنْدَ

آسایش، و صبر زیباتر را به گاه مصیبت، و شکر برتر را در

مَوْضِعِ الشُّكْرِ، وَالتَّسْلِيمِ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ، وَأَسْأَلُكَ الْقُوَّةَ فِي

جایگاه شکر، و تسلیم تو شدن را به هنگام شبهه ها، و از تو می خواهم نیرومندی در

طَاعَتِكَ، وَالضَّعْفَ عَنِ مَعْصِيَتِكَ، وَالْهَرَبَ إِلَيْكَ مِنْكَ،

طاعتت، و سستی از معصیتت، و گریز به سویت را از خویش،

والتَّقَرُّبَ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى، وَالتَّحَرِّيَ لِكُلِّ مَا يُرْضِيكَ عَنِّي،

و تقرب به حضرتت را پروردگارا تا راضی شوی، و جستجو کردن از هر چه که تو را از من خشنود می سازد،

فِي إِسْحَاطِ خَلْقِكَ، إِتِمَّاسًا لِرِضَاكَ. رَبِّ، مَنْ أَرْجُوهُ إِنْ

در به خشم آوردن بندگانت، از روی طلب خشنودی ات. پروردگارا به که امید بندم، اگر به من

لَمْ تَرْحَمْنِي؟! أَوْ مَنْ يَعُودُ عَلَيَّ إِنْ أَقْصَيْتَنِي؟! أَوْ مَنْ يَنْفَعُنِي

رحم نکنی، یا که از من احوال گیرد، اگر مرا دورم کنی، یا کیست که گذشتش

عَفْوُهُ إِنْ عَاقَبْتَنِي؟! أَوْ مَنْ أَمُلُ عَطَايَاهُ إِنْ حَرَمْتَنِي؟! أَوْ مَنْ

به من سود دهد، اگر تو مجازاتم نمایی، یا کیست که عطاهايش را آرزو کنم، اگر محرومم کنی، یا کیست که کرامتم

يَمْلِكُ كَرَامَتِي إِنْ أَهَنْتَنِي؟! أَوْ مَنْ يَضُرُّنِي هَوَانُهُ إِنْ أَكْرَمْتَنِي؟!

را به دست گیرد، اگر تو مرا پست نمایی، یا کیست که سبک داشتنش به من زیان رساند، اگر تو مرا گرامی داری؟

## دُعایابی برای خویج دنیا و آخرت

رَبِّ ، مَا أَسْوَأَ فِعْلِي وَ أَقْبَحَ عَمَلِي ، وَ أَوْسَى قَلْبِي وَ أَطْوَلَ

پروردگارا چه بد است رفتارم، و چه زشت است کردارم، و چه دراز است

أَمَلِي ، وَ أَقْصَرَ أَجَلِي وَ أَجْرَانِي عَلَى عِصْيَانِ مَنْ خَلَقَنِي ! رَبِّ ،

آرزویم، و چه کوتاه است عمرم، و چه گستاخم بر نافرمانی کسی که مرا آفرید؟ پروردگارا!

وَ مَا أَحْسَنَ بَلَاءَكَ عِنْدِي ، وَ أَظْهَرَ نِعْمَاءَكَ عَلَيَّ ، كَثُرَتْ عَلَيَّ

چه نیکوست از مایشت پیش من، و آشکار است نعمتهایت بر من، نعمتهایت

مِنْكَ النِّعْمُ فَمَا أَحْصِيهَا ! وَ قَلَّ مِنِّي الشُّكْرُ فَمَا أَوْلَيْتَنِيهِ ،

بر من زیاد شد، نمی دانم آنها را شماره کنم، و در آنچه سزاوار احسانم کردی سپاسم کم شد،

فَبَطَرْتُ بِالنِّعْمِ ، وَ تَعَرَّضْتُ لِلنِّقَمِ ، وَ سَهَوْتُ عَنِ الذِّكْرِ ،

به نعمتها راه فساد پیش گرفتم، و خود را در معرض انتقام قرار دادم، از ذکر غافل شدم

وَ رَكِبْتُ الْجَهْلَ بَعْدَ الْعِلْمِ ، وَ جُرْتُ مِنَ الْعَدْلِ إِلَى الظُّلْمِ ،

پس از دانایی به مرکب نادانی سوار گشتم، از عدالت به سوی ستم گذشتم،

وَ جَاوَزْتُ الْبِرَّ إِلَى الْإِثْمِ ، وَ صِرْتُ إِلَى اللّٰهُوَ مِنَ الْخَوْفِ

و از نیکی به گناه تجاوز کردم، و از ترس از عاقبت و اندوه بر خود به دنیای لهو و بازی

وَ الْحُزْنِ ؛ فَمَا أَصْغَرَ حَسَنَاتِي ! وَ أَقَلَّهَا فِي كَثْرَةِ ذُنُوبِي ! ،

باز گشتم، پس چه کوچک است خوبی هایم، و کم است در برابر کثرت گناهانم،

وَ أَعْظَمَهَا عَلَيَّ قَدْرِ صِغَرِ خَلْقِي ، وَ ضَعْفِ رُكْنِي ! رَبِّ ،

و چه بزرگ است آنها در کنار کوچکی خلقتم، و سستی بنیادم؟ پروردگارا

وَ مَا أَطْوَلَ أَمَلِي فِي قِصْرِ أَجَلِي ! ، وَ أَقْصَرَ أَجَلِي فِي بُعْدِ أَمَلِي !

چه دراز است آرزویم، در برابر کوتاهی عمرم، و چه کوتاه است عمرم در برابر دوری آرزویم،

وَ مَا أَقْبَحَ سَرِيرَتِي فِي عَلَانِيَتِي ! رَبِّ لَا حُجَّةَ لِي إِنْ اِحْتَجَجْتُ ،

و چه زشت است باطنم در برابر ظاهر من؟ پروردگارا حجّتی ندارم اگر احتجاج کنم،

وَ لَا عُذْرَ لِي إِنْ اِعْتَذَرْتُ ، وَ لَا شُكْرَ عِنْدِي إِنْ اِبْتَلَيْتُ

و عذر قابل قبولی برایم نیست، اگر عذر خواهی کنم، و سپاسی نزد من نیست اگر آزمایش شوم یا مورد احسان

(أَبْلَيْتُ) وَ أَوْلَيْتُ ، إِنْ لَمْ تُعْنِي عَلَيَّ شُكْرِي مَا أَوْلَيْتَ . رَبِّي

قرار گیرم، اگر بر سپاس آنچه به من احسان کردی یاری ام ندهی، پروردگارم

## دُعایابی برای خویج دنیا و آخرت

مَا أَخَفَّ مِيزَانِي غَدًا إِنْ لَمْ تُرْجِحْهُ، وَ أَزَلَّ لِسَانِي إِنْ لَمْ تُثَبِّتْهُ،

فردای قیامت چه سبک است      میزان کارهایم اگر آن را سنگین نکنی،      و چه لغزان است زبانم،

وَ أَسْوَدَ وَجْهِي إِنْ لَمْ تُبَيِّضْهُ! رَبِّ، كَيْفَ لِي بِذُنُوبِي، الَّتِي

اگر استوارش ننمایی،      و چه سیاه است رویم اگر سپیدش نکنی،      پروردگارا چه کنم با گناهانم که از من سرزده

سَلَفْتِ مِنِّي قَدْ هَدَّتْ لَهَا أَرْكَانِي؟ رَبِّ كَيْفَ أَطْلُبُ شَهَوَاتِ

و پایه‌های هستی‌ام      در برابر آنها درهم شکسته،      چگونه شهوات دنیا را

الدُّنْيَا، وَ أَبْكَى عَلَيَّ خَيْبَتِي فِيهَا، وَ لَا أَبْكَى وَ تَشْتَدُّ حَسْرَاتِي

طلب می‌کنم،      و بر محرومیت‌م از آنها می‌گیرم،      درحالی که نمی‌گیرم      و شدید نمی‌شود حسرت‌هایم

عَلَيَّ عِصْيَانِي وَ تَفْرِيطِي؟ رَبِّ، دَعْتَنِي دَوَاعِيَ الدُّنْيَا فَاجَبْتُمَا

بر عصیان      و تقصیرم؟      پروردگارا داعیان دنیا      دعوت‌م کردند،      با شتاب

سَرِيْعًا، وَ رَكَنْتُ إِلَيْهَا طَائِعًا، وَ دَعْتَنِي دَوَاعِيَ الْآخِرَةِ

اجابت نمودم،      و به میل و رغبت      به آن دل بستم،      و داعیان آخرت

فَتَثَبَّطْتُ عَنْهَا، وَ أَبْطَأْتُ فِي الْإِجَابَةِ وَ الْمُسَارَعَةِ إِلَيْهَا، كَمَا

دعوت‌م نمودند،      از آن باز ماندم،      و از پاسخ دادن و شتاب به سوی آن کندی کردم،      چنان‌که

سَارَعْتُ إِلَى دَوَاعِيَ الدُّنْيَا وَ حُطَامِهَا الْهَامِدِ، وَ هَشِيمِهَا

به جانب      دواعی دنیا،      و کالای پوسیده‌اش،      و گیاه فناپذیرش،

الْبَائِدِ، وَ سَرَابِهَا الذَّاهِبِ. رَبِّ، خَوَّفْتَنِي وَ شَوَّقْتَنِي،

و نمای از بین رونده‌اش      شتافت‌م!!      پروردگارا مرا بیم دادی      و تشویق نمودی،

وَ احْتَجَجْتَ عَلَيَّ بِرِقِّي، وَ تَكَفَّلْتَ لِي بِرِزْقِي، فَأَمِنْتُ خَوْفَكَ،

و بر من به بندگی‌ام احتجاج کردی،      و عهده‌دار روزی‌ام شدی،      به نادرستی از بیمت ایمن شدم،

وَ تَثَبَّطْتُ عَنْ تَشْوِيقِكَ، وَ لَمْ أَتَّكِلْ عَلَيَّ ضَمَانِكَ، وَ تَهَاوَنْتُ

و از تشویقت باز ماندم،      و بر ضمانتت اعتماد نکردم،      و احتجاجت را

بِاحْتِجَاجِكَ. اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ أَمْنِي مِنْكَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا خَوْفًا،

سبک انگاشتم!!      خدایا      ایمنی‌ام را از تو در      این دنیا      هراس قرار ده،

وَ حَوْلَ تَثَبُّطِي شَوْقًا، وَ تَهَاوُنِي بِجُجَّتِكَ فَرَقًا مِنْكَ، ثُمَّ

و باز ماندم را به شوق تبدیل کن،      و سبک‌شمردنم را نسبت به حجتت      به بیم از خودت باز گردان، سپس

## حکایت عبدالرحمن بن سیاب و وصیت حضرت صادق علیه السلام

رَضِنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي مِنْ رِزْقِكَ ؛ يَا كَرِيمُ . أَسْأَلُكَ بِسْمِكَ

از روزی‌ات به آنچه نصیب من نموده‌ای خشنودم کن، ای بزرگوار، از تو می‌خواهم به حق نام

الْعَظِيمِ ، رِضَاكَ عِنْدَ السُّخْطَةِ ، وَ الْفُرْجَةَ عِنْدَ الْكُرْبَةِ ،

بزرگت، خشنودی‌ات را هنگام خشم، و گشایش را زمان گرفتاری،

وَالنُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ ، وَ الْبَصِيرَةَ عِنْدَ تَشْبِهِهِ (تَشْبِيهِ) الْفِتْنَةِ .

و نور را به گاه تاریکی، و بصیرت را وقت و تشبیه شدن فتنه،

رَبِّ اجْعَلْ جُنَّتِي مِنْ خَطَايَايَ حَصِينَةً ، وَ دَرَجَاتِي فِي الْمَجَانِنِ

پروردگارا سپهرم را از خطاهایم محکم گردان، و درجاتم را در بهشت

رَفِيعَةً ، وَ أَعْمَالِي كُلَّهَا مُتَقَبَّلَةً ، وَ حَسَنَاتِي مُتَضَاعَفَةً زَاكِيَةً ،

بلند فرما، و همگی اعمال را پذیرفته قرار ده، و حسناتم را چند برابر و پاک گردان.

أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتَنِ كُلِّهَا ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ ، وَ مِنَ رَفِيعِ

به تو پناه می‌آورم از همه فتنه‌ها چه آنچه آشکار است چه پنهان، و از خوراکیها

الْمَطْعَمِ وَ الْمَشْرَبِ ، وَ مِنَ شَرِّ مَا أَعْلَمُ ، وَ مِنَ شَرِّ مَا لَا أَعْلَمُ ،

و آشامیدنی‌های فاخر و گران‌قیمت، و از شر آنچه می‌دانم، و نمی‌دانم.

وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَشْتَرِيَ الْجَهْلَ بِالْعِلْمِ ، وَ الْجَفَا بِالْحِلْمِ ،

و به تو پناه می‌آورم، از اینکه بخرم نادانی را به دانش، و جفارا به بردباری،

وَ الْجَوْرَ بِالْعَدْلِ ، وَ الْقَطِيعَةَ بِالْبِرِّ ، وَ الْجَزَعَ بِالصَّبْرِ ، أَوْ الْهُدَى

و ستم را به عدالت، و قطع رحم را به نیکی، و بی‌تابی را به شکیبایی، و هدایت را

بِالضَّلَالَةِ ، أَوْ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ .

به گمراهی، و کفر را به ایمان.

مؤلف گوید: این دعا مشتمل بر مضامین بلندی است،

و عبدالرحمن بن سیاب همان کسی است، که حضرت صادق

علیه السلام او را وصیت سودمندی فرموده که بیانش در اینجا

شایسته است، عبدالرحمن نقل کرده: وقتی پدرم سیاب از دنیا

رفت، مردی از دوستانش در منزل ما را کوبید، من به سویش رفتم، به من تسلیت گفت سپس پرسید: پدرت چیزی برای شما گذاشته؟ گفتم: نه! کیسه‌ای که هزار درهم در آن بود به من داد و گفت نیکو محافظت کن و با آن به کسب معاش برخیز، من خوشحال شده، نزد مادرم رفتم، و او را به این مسئله خبر دادم، در پایان آن روز نزد یکی از دوستان پدرم رفتم که برای من کسبی مهیا کند، او برایم سرمایه‌ای از جامه‌های سابری خرید، در مغازه‌ای نشستم، و مشغول کسب شدم، حق تعالی مرا از آن کسب خیر بسیاری نصیب فرمود، وقت حج رسید، به قلبم افتاد به حج روم، نزد مادر رفته و او را به حج رفتنم خبر کردم، مادر گفت هزار درهم آن مرد را بازگردان، پول آن مرد را تهیه و به او پرداختم، مانند اینکه پول را به او بخشیدم خوشحال شد ولی به من گفت: شاید پولی که به تو دادم کم بوده، و نتوانستی با آن کسب کنی، اگر می‌خواهی بیش از این در اختیار بگذارم، گفتم نه، قصد حج دارم، خواستم پول شما را بازگردانم، به مکه رفتم، اعمال حج را بجا آوردم، به مدینه شرفیاب شدم و با گروهی از مردم در وقتی که اذن عام می‌دادند خدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم، چون جوان



بودم و ناشناخته، آخر جمعیت نشستم، مردم شروع به پرسش کردند، و حضرت پاسخ آنان را لطف می فرمود، پس از گرفتن جواب می رفتند، تا جمعیت کم شد، حضرت به جانب من اشاره کردند و فرمودند: آیا حاجتی داری؟ گفتم: فدایت شوم، من عبدالرحمن بن سیاب هستم. احوال پدرم را پرسیدند. گفتم: از دنیا رفت، محزون و غمگین شدند، گویا حضرت را دردی گرفت، فرمودند: خدا او را رحمت کند. پرسیدند: چیزی گذاشت؟ گفتم: نه. فرمودند: از کجا توانستی به حج بیایی؟ قصه آن مردی را که هزار درهم به من داد شروع کردم، حضرت فرصت تمام کردن قصه را ندادند و فرمودند: حج آمدی، هزار درهم آن مرد را چه کردی؟ گفتم: به صاحبش بازگرداندم. فرمود: احسنت، سپس فرمود: آیا تو را وصیتی نکنم؟ گفتم: چرا، فرمودند: به راستی در گفتار، و ادای امانت ملازمت کن تا با مردم در اموالشان شریک شوی، آنگاه بین دو انگشت خود را جمع کرد، یعنی اگر گفتارت صادقانه شد، و دروغ نگفتی، و خلاف وعده نکردی، و در موعد معینی که وعده کردی مال مردم را بازگردانی، و حق مردم را نخوری از مردم هرچه بخواهی به تو می دهند، روی این حساب، به خاطر

## دُعایابی برای خویج دنیا و آخرت

امانت و صداقتی که در تو وجود دارد شریک مردم در اموالشان می‌شوی. من این وصیت را از حضرت حفظ کردم، یعنی به آن عمل کردم، و آنقدر مال یافتم که زکات سیصد هزار درهم را پرداختم. در روایت دیگری وارد شده: این دعای حضرت علی بن الحسین علیه السلام است و در پایانش این اضافه قرار دارد: آمین رَبَّ الْعَالَمِينَ.

بیست و هشتم: از ابن محبوب روایت شده: حضرت صادق علیه السلام این دعا را تعلیم شخصی فرمود که بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ ، الَّتِي لَا تُنَالُ مِنْكَ إِلَّا بِرِضَاكَ ،

خدایا از تو می‌خواهم به حق رحمتت که به آن نرسند جز به خشنودی تو

وَالْخُرُوجَ مِنْ جَمِيعِ مَعَاصِيكَ ، وَالْدُخُولَ فِي كُلِّ مَا يُرْضِيكَ ،

و خارج شدن از همه نافرمانی‌هايت و ورود در هر آنچه که تو را خشنود می‌سازد،

وَالنَّجَاةَ مِنْ كُلِّ وَرْطَةٍ ، وَالْمَخْرَجَ مِنْ كُلِّ كَبِيرَةٍ آتَى بِهَا مِنِّي

و نجات از هر چاه هلاکتی، و بیرون شدن از هر گناه کبیره‌ای که عمدی آن را از من

عَمْدٌ ، أَوْ زَلَّ بِهَا مِنِّي خَطَاٌ ، أَوْ خَطَرَ بِهَا عَلَيَّ خَطَرَاتُ

به میان آورده، یا خطایی مرا به آن لغزانده، یا وسوسه‌های شیطان به

الشَّيْطَانِ ؛ أَسْأَلُكَ خَوْفًا تَوْقِفُنِي بِهِ عَلَى حُدُودِ رِضَاكَ ،

خاطرم افکنده، از تو هراسی می‌خواهم که مرا به وسیله آن بر مرزهای خشنودی‌ات بازداري،

و تَشَعَّبَ بِهِ عَنِّي كُلُّ شَهْوَةٍ خَطَرَ بِهَا هَوَايَ ، وَاسْتُرِّلَ بِهَا رَأْيِي

و با آن هر شهوتی را از من که هوسم آن را به خاطر اندازد و به آن رأیم لغزانده شود تا از

لِيُجَاوِزَ حَدَّ حَلَالِكَ ؛ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الْآخِذَ بِأَحْسَنِ مَا تَعْلَمُ ،

مرز حلالیت در گذرم پراکنده نمایی، خدا یا از تو می‌خواهم به نیکوترین چیزی که از من می‌دانی از من بپذیری،

## دُعایابی برای حوایج دنیا و آخرت

وَتَرَكَ سَيِّئِي كُلِّ مَا تَعَلَّمْتُ، أَوْ أَخْطِئُ مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ، أَوْ مِنْ

و به هر چه که از من می‌دانی، یا خطا کنم از آنجا که نمی‌دانم، یا از آنجا که

حَيْثُ أَعْلَمُ؛ أَسْأَلُكَ السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ، وَالزُّهْدَ فِي الْكِفَافِ،

می‌دانم و گذاری، از تو می‌خواهم وسعت در روزی، و قناعت بر مقدار کفاف،

وَالْمُخْرَجَ بِالْبَيَانِ مِنْ كُلِّ شُبْهَةٍ، وَالصَّوَابَ فِي كُلِّ حُجَّةٍ،

و در آمدن با منطوق روشن از هر شبهه، و درستی در هر دلیل،

وَالصِّدْقَ فِي جَمِيعِ الْمَوَاطِنِ، وَإِنصَافَ النَّاسِ مِنْ نَفْسِي فِيمَا

و راستی در همه میدانها و انصاف دادن به مردم از جانب خود، در آنچه به زبان

عَلَيَّ وَوَلِيِّ، وَالتَّذَلُّلَ فِي إِعطَاءِ النَّصْفِ، مِنْ جَمِيعِ مَوَاطِنِ

یا سود من است، و فروتنی در دادن انصاف در تمام مراحل

السَّخَطِ وَالرِّضَا، وَتَرَكَ قَلِيلَ الْبَغْيِ وَكَثِيرِهِ، فِي الْقَوْلِ مَنِّي

خشم و خشنودی، و ترک تجاوز چه اندک و چه بسیارش از جانب خود در گفتار

وَالفِعْلِ، وَتَمَامَ نِعْمِكَ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ، وَالشُّكْرَ لَكَ عَلَيْهَا،

و کردار، و تمام کردن نعمتهایت در همه چیز، و سپاس‌گزاریات بر آنها،

لِكَی تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا، وَأَسْأَلُكَ الْخَيْرَةَ فِي كُلِّ مَا يَكُونُ فِيهِ

تا خشنود شوی و فوق خشنودی، و از تو خیر می‌خواهم در هر چه در آن

الْخَيْرَةُ، بِمِيسُورِ الْأُمُورِ كُلِّهَا لَا بِمَعْسُورِهَا؛ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ

خیر است، به تمام کارهای آسان نه به دشوارش، ای بزرگوار، ای بزرگوار،

يَا كَرِيمُ، وَافْتَحْ لِي بَابَ الْأَمْرِ الَّذِي فِيهِ الْعَافِيَةُ وَالْفَرَجُ،

ای بزرگوار، در کاری که در آن تندرستی کامل و گشایش است و گشایش است،

وَافْتَحْ لِي بَابَهُ، وَيَسِّرْ لِي مَخْرَجَهُ، وَ مَنْ قَدَّرْتَ لَهُ عَلَيَّ

و درش را برایم بگشا، و بیرون آمدنش را برایم آسان کن، و هر که راز از بندگانت مقدر نموده‌ای بر

مَقْدَرَةً مِنْ خَلْقِكَ، فَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ، وَ لِسَانِهِ

من قدرتی داشته باشد، گوشش و چشمش، و زبانش

وَايَدِهِ، وَخُذْهُ عَنِ يَمِينِهِ وَ عَنِ يَسَارِهِ، وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ مِنْ

و دستش راز من باز گیر، و او را از جانب راست و چپ و پشت سر

## دُعایابی برای خویج دنیا و آخرت

قُدَامِهِ ، وَامْنَعُهُ أَنْ يَصِلَ إِلَيَّ بِسَوْءٍ ، عَزَّ جَارُكَ ، وَجَلَّ ثَنَاءُ

و پیش رویش بگیر، و از این که به من بدی برساند بازش بدار، پناهنده‌ات عزیز است، و ثنای جلوه‌ات بس

وَجْهِكَ ، وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ ؛ أَنْتَ رَبِّي وَ أَنَا عَبْدُكَ . اَللّٰهُمَّ أَنْتَ

برجسته است، معبودی جز تو نیست، تو پروردگار منی، و من بنده توام، خدایا تو در هر

رَجَائِي فِي كُلِّ كُرْبَةٍ ، وَ أَنْتَ ثِقْتِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ ، وَ أَنْتَ لِي فِي كُلِّ

گرفتاری امید منی، و در هر سختی اطمینان منی، و تو در هر حادثه‌ای

أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَ عُدَّةٌ ، فَكَمِّمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤَادُ ،

که بر من وارد شود، برای من تکیه‌گاه و ذخیره‌ای، چه بسا گرفتاری که دل از آن ناتوان شود،

وَ تَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ ، وَ يَشْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ ، وَ تَعِينِي (تُعِينِي) فِيهِ

و چاره در آن گم گردد، و دشمن به آن شماتت نماید، و مرا در آن گرفتاری،

الْأُمُورُ ، أَنْزَلْتَهُ بِكَ وَ شَكَّوْهُ إِلَيْكَ ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِيهِ عَمَّنْ

وسایل به زحمت اندازند. آن را نزد تو آوردم، و شکایتش را نزد تو نمودم، در آن از غیر تو به تو رغبت دارم،

سِوَاكَ ، قَدْ فَرَجْتَهُ وَ كَفَيْتَهُ ! فَأَنْتَ وَ لِي كُلِّ نِعْمَةٍ ، وَ صَاحِبُ

به تحقیق آن را گشودی، و از آن کفایت کردی پس تویی سرپرست هر نعمت، و یاور

كُلِّ حَاجَةٍ ، وَ مُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ ، فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيرًا ، وَ لَكَ

هر حاجت، و نهایت هر رغبت، ستایش بسیار تو راست، و احسان

الْمَنْ فَاضِلًّا .

برتر از آن توست

بیست و نهم: به سند معتبر روایت شده: حضرت صادق عليه السلام

این دعا را به ابو بصیر تعلیم داد که بخواند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَابِيْنَ وَ عَمَلَهُمْ ، وَ نُوْرَ الْاَنْبِيَاءِ

خدایا از تو می‌خواهم، گفتار توبه‌کاران و عملشان راه، و نور پیامبران

وَ صِدْقَهُمْ ، وَ نَجَاةَ الْمُجَاهِدِيْنَ وَ ثَوَابِهِمْ ، وَ شُكْرَ الْمُصْطَفِيْنَ

و صدقشان راه، و نجات جهادکنندگان و پاداششان راه، و شکر برگزیدگان

## دُعایابی برای حوایج دنیا و آخرت

وَنَصِيحَتَهُمْ ، وَ عَمَلَ الذَّاكِرِينَ وَ يَقِينَهُمْ ، وَ اِيْمَانَ الْعُلَمَاءِ

و خیر خواهی شان را، و کردار ذاکران و یقینشان را، و ایمان و دانشمندان

وَ فِقْهَهُمْ ، وَ تَعَبُّدَ الْخَاشِعِينَ وَ تَوَاضُعَهُمْ ، وَ حُكْمَ الْفُقَهَاءِ

و فهمشان را، و بندگی فروتنان و تواضعشان را، و حکم و فقیهان

وَ سِيْرَتَهُمْ ، وَ خَشْيَةَ الْمُتَّقِينَ وَ رَغْبَتَهُمْ ، وَ تَصَدِيقَ الْمُؤْمِنِينَ

و روششان را، و ترس و پرهیزگاران و شوقشان را، و باور و مؤمنان

وَ تَوَكُّلَهُمْ ، وَ رَجَاءَ الْمُحْسِنِينَ وَ بَرَّهُمْ . اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ ثَوَابَ

و توکلشان را، و امید نیکوکاران و نیکوکاری شان را، خدا یا از تو می خواهم پاداش

الشَّاكِرِينَ ، وَ مَنَزَلَةَ الْمُقْرَبِينَ ، وَ مُرَافَقَةَ النَّبِيِّنَ . اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ

شاکران، و مقام مقربان، و رفاقت پیامبران را، خدا یا

اَسْأَلُكَ خَوْفَ الْعَامِلِينَ لَكَ ، وَ عَمَلَ الْخَائِفِينَ مِنْكَ ،

از تو می خواهم ترس کارکنان برایت، و عمل بیم داران از حضرتت،

وَ خُشُوْعَ الْعَابِدِينَ لَكَ ، وَ يَقِيْنَ الْمُتَوَكِّلِيْنَ عَلَیْكَ ، وَ تَوَكُّلَ

و خشوع عابدان درگاهت، و یقین متوکلان بر ذاتت،

المُؤْمِنِيْنَ بِكَ . اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ بِحَاجَتِيْ عَالِمٌ غَيْرُ مُعَلِّمٍ ، وَ اَنْتَ

خدا یا به حاجتم دانایی بی آنکه آموخته باشی، و تو به

لَهَا وَ اَسِعٌ غَيْرُ مُتَكَلِّفٍ ، وَ اَنْتَ الَّذِيْ لَا يُخْفِيْكَ سَائِلٌ ،

بر آوردنش بدون هیچ زحمتی توانایی، و تویی که هیچ سائلی خسته ات نکند،

وَ لَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ ، وَ لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلٌ قَائِلٌ ، اَنْتَ

و عطا بخشی از تو نكاهد، و گفتار گوینده ای به ستایشت نرسد، تو چنان

كَمَا تَقُوْلُ وَ فَوْقَ مَا نَقُوْلُ . اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِيْ فَرْجًا قَرِيْبًا ، وَ اَجْرًا

که خود می گویی، و برتر از آن که ما می گوییم، خدا یا برایم گشایش نزدیک و پاداش

عَظِيْمًا ، وَ سِيْرًا جَمِيْلًا . اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ اَنِّيْ عَلِيْ ظُلْمِيْ لِنَفْسِيْ

بزرگ و پرده پوشی زیبا قرار بده، خدا یا تو می دانی که من با وجود ستم بر نفسم،

وَ اِسْرَافِيْ عَلَيْهَا ، لَمْ اَتَّخِذْ لَكَ ضِدًّا وَ لَا نِدًّا ، وَ لَا صَاحِبَةً

و زیاده روی به زبان خویشتم، برای تو ضدی و همتایی

## دُعایابی برای خویج دنیا و آخرت

وَلَا وَكَلْدًا؛ يَا مَنْ لَا تُغَلِّطُهُ الْمَسَائِلُ، وَيَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَيْءٌ عَنِ

و فرزندى برنگرفتم، ای که درخواستها او را به اشتباه نیندازد، و ای که چیزی از

شَيْءٍ، وَلَا سَمِعَ عَنْ سَمِعٍ، وَلَا بَصَرَ عَنْ بَصَرٍ، وَلَا يُبْرِمُهُوَ الْحَاحُ

چیزی سرگرمش نکند، و نه گوش دادنی از گوش دادنی دیگر، و نه دیدنی از دیدنی دیگر، و اصرار اصرارکنندگان به

الْمُلْحِحِينَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي فِي سَاعَتِي هَذِهِ، مِنْ حَيْثُ

ستوهش نیاورد، از تو می خواهم در این ساعت از جایی که گمان

أَحْتَسِبُ، وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ؛ إِنَّكَ تُحْيِي الْعِظَامَ وَهَيَّ

می برم، و از جایی که گمان نمی برم به من گشایش دهی، تو استخوانها را زنده می کنی درحالی که

رَمِيمٌ؛ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. يَا مَنْ قَلَّ شُكْرَى لَهُوَ

پوسیده است، زیرا تو بر هر چیز توانایی، ای که سپاسم برای او کم شد

فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَظَّمْتَ حَظِيَّتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَرَأَى عَلَى

ولی محرومم نکرد، و خطایم بزرگ شد ولی رسوایم نمود، و مرا بر انجام

الْمَعَاصِي فَلَمْ يَجْهَنِي، وَخَلَقَنِي لِلذِّى خَلَقَنِي لَهُ، فَصَنَعْتُ

گناهان دید ولی دست رد به سینه ام نزد، و مرا آفرید برای آنچه مرا برای آن آفرید ولی رفتاری

غَيْرِ الَّذِي خَلَقَنِي لَهُ، فَنِعْمَ الْمَوْلَى أَنْتَ يَا سَيِّدِي، وَبِئْسَ

غیر از آنچه برای آن آفرید انجام دادم، پس چه خوب مولایی هستی تو ای آقای من، و بد

العَبْدُ أَنَا وَجَدْتَنِي، وَنِعْمَ الطَّالِبُ أَنْتَ رَبِّي، وَبِئْسَ الْمَطْلُوبُ

بنده ای هستم من، مرا یافتی، و چه خوب جوینده ای هستی تو ای پروردگارم، و چه بدطلب شده ای هستم

الْفَيْتَنِي، عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ، ابْنُ أُمَّتِكَ، بَيْنَ يَدَيْكَ،

که مرا یافتی، بنده توام، فرزند بنده ات، فرزند کنیزت پیش روی توام،

مَا شِئْتَ صَنَعْتَ بِي. اللَّهُمَّ هِدَاتِ الْأَصْوَاتِ، وَسَكَنَتِ

آنچه خواهی انجام دهی، خدایا آوازها خاموش شد، و جنبشها

الْحَرَكَاتِ، وَخَلَا كُلُّ حَبِيبٍ بِحَبِيبِهِ، وَخَلَوْتُ بِكَ، أَنْتَ

آرام گرفتم، و هر دوستی با دوستش خلوت کرد، و من با تو خلوت گزیدم، تو

الْمَحْبُوبُ إِلَيَّ، فَاجْعَلْ خَلَوْتِي مِنْكَ اللَّيْلَةَ، الْعِتَقَ مِنَ النَّارِ؛

محبوب منی، پس در این شب خلوتم را با حضرتت، آزادی ام از آتش قرار ده،

## دُعاهایی برای حوائج دنیا و آخرت

يَا مَنْ لَيْسَتْ لِعَالَمٍ فَوْقَهُ صِفَةٌ، يَا مَنْ لَيْسَ لِمَخْلُوقٍ دُونَهُ

ای که برای دانشمندی برتر، از او صفتی نیست، ای که برای مخلوقی، در برابرش

مَنْعَةٌ، يَا أَوَّلَ قَبْلِ كُلِّ شَيْءٍ، وَيَا آخِرَ بَعْدِ كُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ لَيْسَ

عزتی نمی باشد، ای آغاز پیش از هر چیز، و ای پایان پس از هر چیز، ای که عنصر

لَهُ عُنْصُرٌ، وَيَا مَنْ لَيْسَ لِآخِرِهِ فَنَاءٌ، وَيَا أَكْمَلَ مَنَعَاتٍ،

و ماده ای برایش نیست، ای که برای پایانش فناپی وجود ندارد، ای کامل ترین وصف شده،

وَايَا أَسْمَحَ الْمُعْطِينَ، وَيَا مَنْ يَفْقَهُ بِكُلِّ لُغَةٍ يُدْعَى بِهَا،

ای با گذشت ترین عطاکننده، ای که به هر زبانی خوانده شود می فهمد،

وَايَا مَنْ عَفُوهُ قَدِيمٌ، وَبَطْشُهُ شَدِيدٌ، وَمُلْكُهُ مُسْتَقِيمٌ،

ای که گذشتش دیرینه، و حمله اش سخت، و فرمانروایی اش استوار است،

أَسْأَلُكَ بِسْمِكَ الَّذِي شَافَهْتَ بِهِ مُوسَى؛ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ

از تو می خواهم به حق نامی که با آن بی پرده با موسی سخن گفתי، ای خدا، ای بخشننده،

يَا رَحِيمٌ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّمَدُ، أَسْأَلُكَ أَنْ

ای مهربان، ای که معبودی جز تو نیست، خدایا تو بی نیازی، از تو می خواهم که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ.

بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و مرا به رحمتت وارد بهشت کنی.

سی ام: از یونس روایت شده: به حضرت رضا علیه السلام عرضه

داشتم: به من دعای کوچکی بیاموز. فرمود: بخوان:

يَا مَنْ دَلَّنِي عَلَى نَفْسِي، وَذَلَّلَ قَلْبِي بِتَصَدِيقِهِ، أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ

وَالْإِيمَانَ.

باب پنجم: در بیان بعضی از خیرها و دعاهای مختصر

این حرزها و دعاها از کتاب «مهج الدعوات» و «مجتنی» که

## بعضی احسنه و دعاهای مختصر

هر دو از نوشته‌های رضی الدین سید ابن طاووس هستند  
انتخاب شده‌اند. اول: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام  
روایت شده: حضرت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به امیرمؤمنان  
فرمود: هرگاه برای تو امر دشواری پیش آید بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ  
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُنَجِّنِي مِنْ هَذَا الْغَمِّ .

دوم: حرز حضرت فاطمه علیها السلام:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ ، بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، ای زنده، ای پاینده، به رحمتت فریادرسی

فَاعْنِيْ ، وَلَا تَكِلْنِيْ إِلَى نَفْسِيْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا ، وَاصْلِحْ لِي

می‌طلبم، پس به فریادم برس، و مرا هرگز چشم‌برهم‌نهدانی به خود و امگدار، و همه کارهایم

شَأْنِيْ كُلَّهُ .

را اصلاح فرما.

سوم: حرز حضرت زین العابدین علیه السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

به نام خدا که رحمتش بسیار

الرَّحِيمِ . بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ ، سَدَدْتُ أَفْوَاهَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ،

و مهربانی‌اش همیشگی است، به نام خدا و به خدا، دهانهای جن و انس

وَ الشَّيَاطِينِ وَالسَّحَرَةِ ، وَالْأَبَالِسَةِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ،

و شیاطین و جادوگران و ابلیسان از جن و انس

و السَّلَاطِينِ وَ مَنْ يَلُوذُ بِهِمْ ، بِاللَّهِ الْعَزِيْزِ الْأَعَزِّ ، وَ بِاللَّهِ الْكَبِيْرِ

و پادشاهان و هر که به آنها پناه می‌برند بستم به خدای عزیز عزیزتر و به خدای بزرگ



## بعضی احسنه و دُعاهای مختصر

الْأَكْبَرِ . بِسْمِ اللَّهِ الظَّاهِرِ البَاطِنِ ، الْمَكْنُونِ الْمَخْرُونِ ، الَّذِي

بزرگتر، به نام خدای ظاهر باطن مستور محفوظ که

أَقَامَ بِهِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ، ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ . بِسْمِ اللَّهِ

بر پا کرد به آن آسمانها و زمین را، سپس بر عرش مستولی شد، به نام خدا که

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، ﴿ وَ وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ

رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، عذاب بر آنان واقع شد، به خاطر ستمی که روا داشتند، پس آنان

لَا يَنْطِقُونَ ﴾ . ﴿ قَالَ : إِخْسَؤُوا فِيهَا وَلَا تَكْلِمُونَ ﴾ ؛ ﴿ وَ عَنَتِ

سخن نمی‌گویند. به آنان گفت همچون سگ در دوزخ دور شوید و سخن نگویند، و فروتن شد

الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ ، وَ قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ﴾ ؛

چهره‌ها برای آن زنده پاینده. و به تحقیق محروم شد آن که بار ستم به دوش کشید،

﴿ وَ خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ ، فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا ﴾ ؛

آهسته شد صداها در برابر خدا، پس نشنوی مگر صدایی پنهان

﴿ وَ جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ ، وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ، وَإِذَا

و بر قلوب کافران پرده نهادیم، بازدارنده از اینکه قرآن را بفهمند، و در گوشه‌هایشان سنگینی، زمانی که

ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ ، وَلَوْ أَعْلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ﴾ ؛

پروردگارت را در قرآن به تنهایی یاد کنی، به خاطر رمیدگی از حق روی به پشت باز گردانند.

﴿ وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ ، جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

زمانی که قرآن بخوانی، بین تو و آنان که ایمان

بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا ﴾ ؛ ﴿ وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا ،

به آخرت ندارند، پرده پوشیده‌ای قرار می‌دهیم، و از پیش رویشان، سدّی

وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا ، فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴾ . ﴿ الْيَوْمَ

و از پشت سرشان سدّی می‌گذاریم، پس آنان را پوشانیدیم، در نتیجه حق را نمی‌بینند، امروز

نَحْنُمْ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ ، وَ تُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ ، فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ ﴾ .

بر دهانهایشان مهر می‌زنیم، و دستهایشان با ما سخن گویند، پس خود آنان سخن نگویند،

﴿ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ، مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ ،

اگر همه آنچه در زمین است خرج می‌کردی، نمی‌توانستی بین دل‌هایشان الفت پدید آوری

## بعضی احسن دعاها و دعای مختصر

وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ؛ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ

ولی خدا میان آنان آفت برقرار کرد، به درستی که او عزیز و حکیم است، و درود خدا بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

محمد و خاندان پاکش.

چهارم: حرز حضرت صادق علیه السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،

يَا خَالِقَ الْخَلْقِ، وَيَا بَاسِطَ الرِّزْقِ، وَيَا فَالِقَ الْحَبِّ، وَيَا بَارِيَّ

ای آفریننده مخلوقات، و ای گسترنده روزی، و ای شکافنده دانه، و ای آفریننده

النَّسَمِ، وَ مُحْيِيَ الْمَوْتَى، وَ مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ، وَ دَائِمَ الثَّبَاتِ،

تنفس کنندگان، و زنده کننده مردگان، و میراننده زندگان، و همیشه پایدار،

وَ مُخْرِجَ النَّبَاتِ، اِفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا

و برآورنده گیاه با من آن کن که تو شایسته آنی، و با من آن مکن که من

أَهْلُهُ، وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ.

سزاوار آنم، و تو اهل پروا و اهل آمرزشی.

پنجم: حرز موسی بن جعفر علیه السلام: از علی بن یقطين

روایت شده: به موسی بن جعفر علیه السلام از آنچه موسی بن

مهدی در کار او قصد کرده بود خبر دادند، در حالی که

جماعتی از اقوام آن جناب در خدمتش بودند. حضرت به

اقوامش فرمود: در این باره رأی شما چیست؟ گفتند: از او

دور شوی، و شخص خود را مخفی کنی، که از شر او ایمن

نتوان شد. حضرت تبسم فرمود، و به شعر کعب بن مالک

تمثل جست:

## بعضی از سوره و دعاهای مختصر

زَعَمْتَ سَخِينَةً أَنْ سَتَغْلِبُ رَبَّهَا فَلْيَغْلِبَنَّ مَغَالِبَ الْغُلَابِ

سخینه پنداشت به زودی بر پروردگارش غلبه خواهد کرد ولی خدا به غلبه‌های غلبه‌کنندگان به یقین غلبه کند

پس دست خود را به جانب آسمان بلند کرد و گفت:

إِلٰهِي كَمْ مِنْ عَدُوٍّ شَحَذَ لِي ظُبَّةَ مُدَيْتِهِ، وَأَرْهَفَ لِي شَبَابَ حَدِّهِ،

معبود من چه بسا دشمنی که برای من تیغ کاردش را تیز کرد، و برشکاره سلاحش را برای من باریک ساخت،

وَدَافَ لِي قَوَاتِلَ سُومِيهِ، وَ لَمْ تَمَّ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ، فَلَمَّا رَأَيْتَ

و برایم به هم آمیخت زهرهای کشنده‌اش را، و دیده نگهبانی‌اش از من نخوابید، پس زمانی که

ضَعْفِي عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَاحِشِ، وَعَجَزِي عَنِ مُلِمَّاتِ الْجَوَائِحِ،

ناتوانی‌ام را از تحمل مصائب سنگین، و درماندگی‌ام را از پیش آمدهای

صَرَفْتَ ذَلِكَ عَنِّي، بِجَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، لَا بِجَوْلِ مَنِّي وَلَا قُوَّةِ،

خانمان برانداز دیدی، همه را به حول و قوه‌ات نه به حول و قوه خویش از من بازگردانی،

فَالْقَيْتَهُ فِي الْحَفِيرِ الَّذِي احْتَفَرَهُ لِي، خَائِبًا مِمَّا أَمَلَهُ فِي

پس او را در همان چاهی که برای من کنده بود انداختی، نومید از آنچه آن را در دنیا

الدُّنْيَا، مُتَبَاعِدًا مِمَّا رَجَاهُ فِي الْآخِرَةِ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ،

آرزو می‌کرد، دور از آنچه در آخرت امید داشت، پس تورا ست، فلک الحمد استیش بر این

قَدَرَ اسْتِحْقَاقِكَ سَيِّدِي. اَللّٰهُمَّ فَخُذْهُ بِعِزَّتِكَ، وَافْلُلْ حَدَّهُ

عنایت به اندازه شایستگی‌ات آقام، خدایا به عزّتت او را بگیر، و به قدرتت تیزی سلاحش

عَنِّي بِقُدْرَتِكَ، وَاجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا يَلِيهِ، وَعَجْزًا عَمَّا يُنَادِيهِ.

را از من کند کن، و او را سرگرم اموری که در اختیار اوست قرار بده، و درمانده از رسیدن به آنچه که طمع دارد،

اَللّٰهُمَّ وَاَعِدْنِي عَلَيْهِ عَدْوَى حَاضِرَةً، تَكُونُ مِنْ غِيظِي شِفَاءً،

خدایا مرا بر او چیره کن چیره‌شدنی فوری، تا برای خشمم درمان،

وَ مِنْ حَنْقِي عَلَيْهِ وَقَاءً؛ وَ صِلِ اللّٰهُمَّ دُعَائِي بِالْاِجَابَةِ،

و برای کینه‌ام نگهدار باشد، و پیوست کن خدایا دعایم را به اجابت،

وَ انْظِمْ شِكَايَتِي بِالتَّغْيِيرِ، وَ عَرِّفْهُ عَمَّا قَلِيلٍ مَا اَوْعَدْتَ

و سامان ده شکایتم را به دگرگونی، و به همین زودی آنچه که ستمکاران را به آن تهدیدی کردی به او بشناسان،

الظَّالِمِينَ ، وَ عَرَّفَنِي مَا وَعَدْتَ فِي إِجَابَةِ الْمُضْطَّرِّينَ ؛ إِنَّكَ

و به من بنمایان آنچه در اجابت درماندگان نوید دادی، به درستی که تو

ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ، وَ الْمَنَّ الْكَرِيمِ .

صاحب فضل عظیم و احسان کریمی.

راوی گفت: قوم پراکنده شدند، و جمع نشدند مگر برای قرائت خبر مردن موسی بن مهدی.

ششم: رقعة الجیبِ حِرزِ حضرت رضا علیه السلام است: از یاسر

خادم مأمون روایت شده: که زمانی ، حضرت رضا علیه السلام

وارد قصر حمید بن قحطبه شد، لباس را از تن بیرون آورد،

و به حمید داد، حمید آن را برای شستن به کنیز خود داد،

اندکی نگذشت که کنیز آمد و رقعه‌ای با او بود، رقعه را به

حمید داد و گفت: در گریبان لباس ابو الحسن علیه السلام یافتم،

حمید به حضرت گفت: فدای شما گردم این جاریه دست

نوشته‌ای در گریبان پیراهن شما یافته، چیست؟ فرمود:

تعویذی [دعای پناهجویی] است که آن را از خود دور

نمی‌کنم، حمید گفت: ممکن است ما را به آن مشرف کنی،

فرمود: این تعویذی است که هر که در گریبان خود نگاه

دارد بلا از او دفع می‌شود، و برای او نگاهداری از شیطان

رجیم است. آنگاه تعویذ را بر حمید خواند:

## رقعة بحسب حسرت امام رضا علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . بِسْمِ اللَّهِ ، إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ ، إِنْ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشه است ، به نام خدا ، من از تو به خدای رحمن پناه می برم اگر

كُنْتَ تَقِيًّا أَوْ غَيْرَ تَقِيٍّ ؛ أَخَذْتُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْبَصِيرِ عَلَيَّ

پرهیزگار باشی ، یا غیر پرهیزگار ، بستم به خدا ، شنوای بینا

سَمِعَكَ وَبَصْرِكَ ، لَا سُلْطَانَ لَكَ عَلَيَّ ، وَلَا عَلَيَّ سَمْعِي ، وَلَا عَلَيَّ

گوش و دیدات را ، تو را تسلطی بر من نیست ، و نه بر گوشم ، و نه بر

بَصْرِي ، وَلَا عَلَيَّ شَعْرِي ، وَلَا عَلَيَّ بَشْرِي ، وَلَا عَلَيَّ لَحْمِي ،

چشمم ، و نه بر مویم ، و نه بر پوستم ، و نه بر گوشتم ،

وَلَا عَلَيَّ دَمِي ، وَلَا عَلَيَّ مَخِي ، وَلَا عَلَيَّ عَصْبِي ، وَلَا عَلَيَّ عِظَامِي ،

و نه بر خونم ، و نه بر مخم ، و نه بر عصبم ، و نه بر استخوانم ،

وَلَا عَلَيَّ مَالِي ، وَلَا عَلَيَّ مَا رَزَقْنِي رَبِّي ؛ سَتَرْتُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ

و نه بر دارایی ام ، و نه بر آنچه پروردگارم نصیب نموده ، پوشاندم بین خود و بین تو را به

بِسْتِرِ النَّبُوَّةِ ، الَّتِي اسْتَرَّ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ بِهِ ، مِنْ سَطَوَاتِ الْجَبَابِرَةِ

پوشش نبوت ، که پیامبران خود را به آن پوشاندند ، از حملات گردنکشان

وَالْفَرَاعِنَةِ ؛ جَبْرَيْلُ عَنْ يَمِينِي ، وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِي ،

و فرعونها ، جبرئیل از جانب راستم ، و میکائیل از چپم ،

وَإِسْرَافِيلُ عَنْ وَرَائِي ، وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و اسرافیل از پشت سرم ، و محمد (درود خدا بر او و خاندانش)

أَمَامِي ، وَاللَّهُ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ ، يَمْنَعُكَ مِنِّي وَيَمْنَعُ الشَّيْطَانَ مِنِّي .

از پیش رویم ، خدا آگاه بر من است ، تو را از من باز می دارد ، شیطان را از من باز می دارد ،

اللَّهُمَّ لَا يَغْلِبُ جَهْلُهُ وَأَنَا تَاكٌ ، أَنْ يَسْتَفِرِّزَنِي وَيَسْتَخِفَّنِي .

خدایا نادانی اش بر بردباری ات غلبه نمی کند ، تا آرامشم را برهم زند ، و سبکم شمارد ،

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التَّجَاؤُ . اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التَّجَاؤُ . اللَّهُمَّ إِلَيْكَ

خدایا پناهنده به تو شدم ، خدایا پناهنده به تو شدم ، خدایا پناهنده

التَّجَاؤُ .

به تو شدم .

## بعضی احسنها و دعاهای مختصر

برای این حرز حکایت عجیبی است که آن را ابو الصلت هروی روایت کرده: مولایم علی بن موسی الرضا علیه السلام روزی در منزلش نشسته بود، فرستاده مأمون بر او وارد شد، و گفت امیر تو را می طلبد، امام برخاست، و به من گفت: مأمون در این وقت مرا نمی طلبد مگر برای کاری سخت، و به خدا نمی تواند به من آسیبی برساند، به خاطر این کلمات، که از جدّم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به من رسیده. ابوالصّلت گفت: همراه امام نزد مأمون رفتم، چون نظر حضرت به مأمون افتاد، این حرز را تا آخر خواند، وقتی که حضرت برابر مأمون قرار گرفت، مأمون به جانب آن بزرگوار نگریست و گفت: ای ابوالحسن دستور داده ام صد هزار درهم به حضرتت بدهند، و هر حاجتی داری بنویس، چون امام برگشت، مأمون نظر در قفای امام کرد و گفت: اراده کردم من، و اراده کرده است خدا، و آنچه خدا اراده کرده بهتر بوده.

هفتم: حرز حضرت جواد علیه السلام: يَا نُورُ يَا بُرْهَانُ ، يَا

ای برهان، ای

ای نور،

مُبِينُ يَا مُنِيرُ ، يَا رَبِّ اَكْفِنِي الشُّرُورَ وَ آفَاتِ الدُّهُورِ ،

ای پروردگارم شرور و آفات روزگاران را از من کفایت کن،

روشنگر، ای روشنی بخش،

## بعضی احسنه و دُعاهای مختصر

وَ أَسْأَلُكَ النَّجَاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ .

و از تو میخواهم نجات روزی را که در صور دمیده می شود.

هشتم: حرز حضرت هادی عليه السلام: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ . يَا عَزِيزَ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،

العَزِيزِ فِي عِزِّهِ ، مَا اَعَزَّ عَزِيزَ الْعِزِّ فِي عِزِّهِ ! يَا عَزِيزُ اَعِزَّنِي بِعِزِّكَ ،

ای که عزتت عزیز در عزتت، چه عزیز است آن که عزتت عزیز است در عزتت، ای عزیز، عزیزم گردان به عزتت،

وَ اَيِّدْنِي بِنَصْرِكَ ، وَ اَدْفَعْ عَنِّي هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ، وَ اَدْفَعْ

و تأییدم کن به یاریت، و وسوسه های شیطان را از من دور کن، و دفع کن

عَنِّي بِدَفْعِكَ ، وَ اَمْنَعْ عَنِّي بِصُنْعِكَ ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ

از من به دفعات، و بازدار از من به کردارت، و مرا از خوبان

خَلْقِكَ ؛ يَا وَاحِدٌ يَا اَحَدٌ ، يَا فَرْدٌ يَا صَمَدٌ .

بندگانت گردان، ای یگانه، ای یکتا، ای تنها، ای بی نیاز.

نهم: حرز حضرت عسگری عليه السلام: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ .

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

يَا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي ، وَ يَا غَوْثِي عِنْدَ كُرْبَتِي ، وَ يَا مُوَسِي

ای توشه ام در سختی، و ای پناهم در گرفتاری، و ای مونس

عِنْدَ وَحْدَتِي ، اَحْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ ، وَ اَكْنُفْنِي

در تنهایی، به دیده ات که نمی خوابد از من نگهبانی کن، و در کف

بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ .

رکنت که قصد آن نمی شود مرا بگیر.

دهم: حرز مولانا القائم عليه السلام: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ . يَا

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است،

مَالِكَ الرَّقَابِ ، وَ يَا هَا زِمَ الْاَحْزَابِ ، يَا مُفْتِحَ الْاَبْوَابِ ، يَا

ای مالک بندگان، ای فراری دهنده گروه های کفر، ای گشاینده درها، ای

مُسَبِّبَ الْاَسْبَابِ ، سَبِّبْ لَنَا سَبَبًا لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَبًا ، بِحَقِّ

فراهم کننده علتها، برای ما سببی فراهم کن که یاری جستش را نداریم، به حق

## بعضی احسنه و دعای مختصر

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

لا اله الا الله محمد رسول الله درود خدا بر او و بر همه

أَجْمَعِينَ.

خاندانش.

يَا زِدْهُمْ: قنوت امام حسين عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ مَنْ آوَى إِلَى مَأْوَى

خدا یا هر که جای گرفت به جایگاهی،

فَأَنْتَ مَأْوَايَ، وَمَنْ لَجَأَ إِلَى مَلْجَأٍ فَأَنْتَ مَلْجَأِي. اللَّهُمَّ صَلِّ

پس تویی جایگاه من، و هر که پناه گرفت به پناهگاهی، پس تویی پناهگاه من، خدا یا بر

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْمِعْ نِدَائِي، وَاجِبْ دُعَائِي، وَاجْعَلْ

محمد و خاندان محمد درود فرست، و فریادم را بشنو، و دعایم را اجابت کن، و بازگشتم،

مَا بِي عِنْدَكَ وَ مَثْوَايَ، وَاحْرُسْنِي فِي بِلْوَايَ مِنْ افْتِنَانِ

و اقامتگاهم را نزد خود قرار ده، و مرا در آزمونم، از ساقط شدن در

الْإِمْتِحَانِ، وَ لَمَّةِ الشَّيْطَانِ، بَعْظَمَتِكَ الَّتِي لَا يَشُوبُهَا وَلَعٌ

آزمایش و پیوستن به یاران شیطان پاسم بدار، به حق عظمتت که با آن طمع شخصی

نَفْسٍ بِتَفْتِينِ، وَ لَا وَارِدُ طَيْفٍ بِتَظْنِينِ، وَ لَا يَلُمُّ بِهَا فَرْحٌ،

به فتنه‌گری در نیامیزد، و نه در آید به آن خاطره‌خوابی با بدگمانی، و نه تماس گیرد با آن شادی بیرون از حد،

حَتَّى تَقْلِبَنِي إِلَيْكَ بِإِرَادَتِكَ، غَيْرَ ظَنِينٍ وَ لَا مَظْنُونٍ،

تا مرا با ارادات به سوی خود باز می‌گردانی نه متهم و نه مظنون،

وَ لَا مُرَابٍ وَ لَا مُرْتَابٍ؛ إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

نه بدگمان و نه مشکوک به درستی که تو مهربان‌ترین مهربانانی.

سید ابن طاووس قنوت‌های ائمه را در کتاب «مهج الدعوات»

گرد آورده، چون طولانی بودند، من به همین یک قنوت

اکتفا کردم.

دوازدهم: دعای حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است: که امان از



# دُعای بتجربه آمده

جنّ و انس می باشد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ، وَهُوَ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، معبودی جز خدا نیست، بر او توکل کردم و او

رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ . مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ ، وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ . أَشْهَدُ

پروردگار عرش بزرگ است، آنچه خدا خواست شد، و آنچه نخواست نشد، گواهی می دهم

أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا .

که خدا بر هر چیز تواناست، و در دانش به همه چیز احاطه دارد،

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ

خدایا به تو پناه می آورم از شر خودم و از شر هر جنبنده ای که تو گیرنده

بِنَاصِيَتِهَا ؛ إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ .

مهارش هستی، به درستی که پروردگارم بر راه استوار است

سیزدهم: دعای به تجربه آمده: از انس روایت شده: رسول

خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر که این دعا را در هر صبح و شام

بخواند، حق تعالی چهار فرشته بر او بگمارد، که او را از

پیش رو و پشت سر و جانب راست و طرف چپ حفظ

کنند، و در امان خدای عزوجل باشد، و اگر آفریدگان از

جنّ و انس بکوشند که بر او زیانی برسانند توفیق نیابند،

و آن دعا این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . بِسْمِ اللَّهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ ؛ بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است، به نام خدا بهترین نامها، به نام خدا پروردگار زمین

وَ السَّمَاءِ ؛ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ سَمٌّ وَلَا دَاءٌ ؛ بِسْمِ

و آسمان، به نام خدا که سمی و دردی با نامش زیان نمی رساند، به نام

## دُعایِ تَجَرُّدِ بَدَنِهِ

اللَّهُ أَصْبَحْتُ ، وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ ؛ بِسْمِ اللَّهِ عَلَى قَلْبِي

خدا صبح کردم، و بر خدا توکل نمودم، به نام خدا بر دل

وَنَفْسِي ؛ بِسْمِ اللَّهِ عَلَى دِينِي وَ عَقْلِي ؛ بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِي

و جانم، به نام خدا بر دین و عقلم، به نام خدا بر خاندان

و مَالِي ؛ بِسْمِ اللَّهِ عَلَى مَا أَعْطَانِي رَبِّي ؛ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ

و داراییام به نام خدا بر آنچه پروردگارم به من بخشید، به نام خدا که

اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ ، وَلَا فِي السَّمَاءِ ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ .

نامش چیزی در زمین و آسمان زیان نمی‌رساند، و او شنوای داناست،

اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي ، لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا . اللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ ، وَاعِزُّ

خدا خدا پروردگار من است چیزی را شریک او نسازم، خدا بزرگتر است. خدا بزرگتر است و عزیزتر

وَأَجَلُّ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ ، عَزَّ جَارُكَ ، وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ ، وَلَا إِلَهَ

و عظیم‌تر است از آنچه می‌ترسم و پرهیز می‌کنم، عزیز است پناهنده‌ات، بزرگ است ثنایت، و معبودی جز

غَيْرُكَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ

تو نیست، خدایا من به تو پناه می‌آورم، از شر خودم، و از شر هر

سُلْطَانٍ شَدِيدٍ ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ

سلطان سرسخت، و از شر هر شیطان ستمگر، و از شر هر

جَبَّارٍ عَنِيدٍ ، وَ مِنْ شَرِّ قِضَاءِ السَّوِّءِ ، وَ مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ

سرکش لجباز، و از شر هر پیش‌آمد بد، و از شر هر جنبنده‌ای که تو گیرنده

بِنَاصِيَتِهَا ؛ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ، وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

مهارش هستی، به درستی که تو بر راه استواری، و بر هر چیز

حَفِيزٌ . ﴿إِنَّ وِلِيَّيَ اللَّهُ ، الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ ، وَ هُوَ يَتَوَلَّى

نگهبانی، به حق سرپرست من خداست که قرآن را نازل کرد، و او شایستگی را

الصَّالِحِينَ﴾ ؛ ﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ،

سرپرستی می‌کند، پس اگر روی بگردانند بگو: خدا مرا بس است، معبودی جز او نیست،

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ، وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾ . چهاردهم : دعای

بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش عظیم است.

## دُعای حضرت رسول ﷺ و دعای بیرون رفتن از خانه

حضرت رسول ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَقِرَ فِي غِنَاكَ ،

خدا یا به تو پناه می آورم از این که نیازمند شوم در سایه بی نیازی تو،

أَوْ أَضِلَّ فِي هُدَاكَ ، أَوْ أَذِلَّ فِي عِزِّكَ ، أَوْ أُضَامَ فِي سُلْطَانِكَ ،

یا گمراه شوم در کنار هدایت تو، یا خوار شوم در جنب عزت تو، یا مظلوم واقع شوم در سایه سلطنت تو،

أَوْ أُضْطَهَدَ وَالْأَمْرُ إِلَيْكَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَقُولَ زُورًا ،

یا پایمال شوم و کار مربوط به توست، خدا یا به تو پناه می آورم از این که زور بگویم،

أَوْ أَغْشَى فُجُورًا ، أَوْ أَكُونَ بِكَ مَغْرُورًا .

یا در بدکاری فرو روم یا در برابر تو مغرور گردم.

پانزدهم: دعایی است از حضرت باقر علیه السلام: از ابو حمزه ثمالی

روایت شده: از حضرت باقر علیه السلام اجازه خواستم خدمتش

مشرف شوم، حضرت از خانه بیرون آمد، در حالی که لبهای

مبارکش حرکت می کرد، فرمود: تکلم مرا دانستی؟ گفتم:

آری فدایت شوم، فرمود: تکلم کردم به کلامی که احدی

هرگز به آن تکلم نکرده، مگر آن که حق تعالی آنچه از امر

دنیا و آخرت مهم اوست کفایت فرموده، گفتم: فدایت

شوم، پس مرا به آن خبر ده، فرمود: آری هر که این کلمات

را در حال بیرون رفتن از خانه بخواند، مهمات او آسان

گردد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . حَسْبِيَ اللَّهُ ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ . اللَّهُمَّ

إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا

وَعَذَابِ الْآخِرَةِ.

شانزدهم: ادعیه الوسائل الی المسائل [دعاهای سبب خواهی برای نیل به درخواستها] از محمد بن حارث نوفلی خادم حضرت جواد علیه السلام نقل شده: وقتی مأمون دخترش را به همسری حضرت جواد علیه السلام درآورد، حضرت برای او نوشت: برای هر زنی از جانب شوهرش صدیقی است، و حق تعالی دارایی ما را در آخرت ذخیره کرده، همچنان که دارایی شما را در دنیا به شما داده و من به کابین دختر تو دادم «وسائل الی المسائل» را و آن مناجاتی است که پدرم به من عنایت کرده، به او نیز از پدرش موسی بن جعفر علیه السلام رسیده، و به او از پدرش جعفر و به او از پدرش محمد، و به او از پدرش علی بن الحسین، و به او از پدرش حسین، و به او از پدرش امیر مؤمنان علی بن ابیطالب و به او از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیده، که جبرئیل به آن حضرت سپرد و گفت: ای محمد ربّ العزّه به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: این کلیدهای گنجهای دنیا و آخرت است، آن را به سوی خواسته‌های خود وسیله ساز، تا به مراد خود بررسی و خواسته تو انجام گیرد، و آن را به حاجتهای دنیا اختصاص مده، که بهره آخرت را کم می‌کند، و آن ده وسیله است

## ادعیه الوسائل الی المسائل

که به واسطه آن، درهای خواسته‌ها گشوده می‌شود، و به سبب آنها حاجات درخواست می‌گردد، و به انجام می‌رسد، و این است نسخه آن:

مناجات استخاره «خیر خواهی»

اللَّهُمَّ إِنَّ خَيْرَتَكَ فِيمَا اسْتَخَرْتُ فِيهِ ، تُنِيلُ الرَّغَائِبَ ،

خدایا بهترین چیزی که پسندیدی، در آنچه من از تو در آن طلب خیر کردم، به خواسته‌ها می‌رساند،

و تُجْزِلُ الْمَوَاهِبَ ، وَ تُغْنِمُ الْمَطَالِبَ ، وَ تُطَيِّبُ الْمَكَايِبَ ،

و موهبتها را شایان می‌سازد، و درخواست‌شده‌ها را پرسود می‌کند، و کسبها را پاکیزه می‌نماید،

وَ تَهْدِي إِلَى أَجْمَلِ الْمَذَاهِبِ ، وَ تَسُوْقُ إِلَى أَحْمَدِ الْعَوَاقِبِ ،

و به زیباترین روشها هدایت می‌کند، و به جانب ستوده‌ترین عاقبتها سوق می‌دهد،

وَ تَقِي مَخَوْفَ النَّوَائِبِ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ فِيمَا عَزَمَ رَأْيِي

و از پیش آمدهای بیمناک حفظ می‌نماید. خدایا من از تو طلب خیر می‌کنم. در آنچه مصمم شده

عَلَيْهِ ، وَ قَادَنِي عَقْلِي إِلَيْهِ ، وَ سَهَّلَ اللَّهُمَّ فِيهِ (مِنْهُ) مَا تَوَعَّرَ ،

رایم بر آن، و مرا عقلم به سوی آن کشانده، آسان گردان خدایا آنچه در آن دشوار شده،

وَ يَسِّرْ مِنْهُ مَا تَعَسَّرَ ، وَ اكْفِنِي فِيهِ الْمُهَمَّ ، وَ ادْفَعْ بِهِ عَنِّي كُلَّ

و هموار کن آنچه را از آن سخت گشته، و مهم مرا در آن کفایت کن، و از من به واسطه آن هر بلای شدید

مُلِيمٍ ، وَ اجْعَلْ يَا رَبِّ عَوَاقِبَهُ وَ غُنْمًا ، وَ مَخَوْفَهُ سِلْمًا ، وَ بَعْدَهُ

را دور فرما، پروردگارا عواقبش را سود، و بیمناکش را سلامت، و دورش را

قُرْبًا ، وَ جَدِّبْهُ وَ خِصْبًا ؛ وَ أَرْسِلِ اللَّهُمَّ اجَابَتِي ، وَ أَنْجِحْ طَلِبَتِي ،

نزدیک، و خشکی‌اش را رشد و برکت قرار ده، خدایا اجابت دعایم را برسان، و خواهشمند را برآور،

وَ اقْضِ حَاجَتِي ، وَ اقْطَعْ عَنِّي عَوَائِقَهَا ، وَ امْنَعْ عَنِّي بَوَائِقَهَا ؛

و حاجتم را انجام ده، و موانعش را از من قطع کن، و سختی‌هایش را از من بازدار،

وَ اعْطِنِي اللَّهُمَّ لِيَوَاءِ الظَّفَرِ ، وَ الْخَيْرَةَ فِيمَا اسْتَخَرْتُكَ ، وَ وُفُورَ

و به من عطا کن خدایا پرچم پیروزی، و بهترین چیزی که در آن از تو خیر خواستم، و کمال

## ادعیه الوسائل الی المسائل

المَغْمُ (الْغُفْم) فِيمَا دَعَوْتِكَ ، وَ عَوَائِدَ الْإِفْضَالِ فِيمَا رَجَوْتُكَ ؛

بهره‌مندی در آنچه خواندمت، و فواید افزون‌تر در آنچه امید به تو بستم،

وَ اقْرِنهُ اللَّهُمَّ بِالنَّجَاحِ ، وَ خُصَّهُ بِالصَّلَاحِ ، وَ ارِنِي أَسْبَابَ

و قرین ساز خدایا آن را با کامیابی، و مخصوصش گردان به شایستگی، و در آن اسباب

الْخَيْرَةِ فِيهِ وَاضِحَةً ، وَ أَعْلَامَ غُنْمِهَا لِأَيْحَةَ ، وَ أَشَدُّ خِنَاقَ

خیرجویی را آشکارا به من بنمایان، و نشانه‌های بهره را درخشان به من نشان بده، و گلوگیر

تَعْسِيرِهَا ، وَ انْعَشْ صَرِيحَ تَيْسِيرِهَا ؛ وَ بَيْنِ اللَّهُمَّ مُلْتَبَسَهَا ،

دشواری‌اش را ببند، و به خاک افتاده آسان کاری‌اش را از خاک بردار، و روشن کن. خدایا مشتبه‌ش را،

وَ أَطْلِقْ مُحْتَبَسَهَا ، وَ مَكِّنْ أَسْمَهَا ، حَتَّى تَكُونَ خَيْرَةً مُقْبَلَةً

و آزاد کن زندانی شده‌اش را و استوار کن پایه‌اش را، تا خیری روی آور با بهره

بِالْغُفْمِ ، مُزِيلَةً لِلْغُرْمِ ، عَاجِلَةً لِلنَّفْعِ ، بِأَقْيَةِ الصَّنْعِ ؛ إِنَّكَ مَلِيٌّ

و سود باشد، برطرف کننده بدهی، و شتاب‌ورز به سود و ماندگار عمل به درستی که تو به افزون بخشی

بِالْمَزِيدِ ، مُبْتَدِئٌ بِالْجُودِ .

نیرومندی، و آغاز کننده به بخششی.

## مناجات استقاله «چشم پوشی»

اللَّهُمَّ إِنَّ الرَّجَاءَ لِسَعَةِ رَحْمَتِكَ ، أَنْطَقَنِي بِاسْتِقَالَتِكَ ، وَالْأَمَلَ

خدایا امید به رحمت فراگیرت، مرا به درخواست چشم‌پوشی‌ات گویا کرده، و آرزوی

لِأَنَاتِكَ وَ رَفِقِكَ ، شَجَعَنِي عَلَى طَلَبِ أَمَانِكَ وَ عَفْوِكَ ، وَ لِي

به بردباری و مدارا نمودنت، مرا به خواستن امان و گذشتت دلیر ساخته است، برای من

يَا رَبِّ ذُنُوبٌ قَدْ وَاجَهْتَهَا أَوْجُهُ الْإِنْتِقَامِ ، وَ خَطَايَا قَدْ

ای پروردگارم گناهانی است، که چهره‌های انتقام با آنها روبرو و خطاهایی است

لَا حَظَّهَا أَعْيُنُ الْإِصْطِلَامِ ، وَ اسْتَوْجَبْتُ بِهَا عَلَى عَدْلِكَ أَلِيمٍ

که دیده‌های ریشه‌برکن آنها را زیر نظر گرفته، به خاطر آنها بر پایه عدالتت مستوجب

الْعَذَابِ ، وَ اسْتَحَقَقْتُ بِاجْتِرَاحِهَا مُبِيرَ الْعِقَابِ ، وَ خِفْتُ

عذاب دردناک شده‌ام، و به ارتکاب آنها سزاوار کیفر هلاک کننده گشته‌ام،

## ادعیه الوسائل الی المنازل

تَعْوِيقَهَا لِإِجَابَتِي ، وَ رَدَّهَا إِيَّايَ عَنِ قَضَائِ حَاجَتِي ، بِإِبْطَالِهَا

از به تأخیر افتادن اجابت دعایم را به خاطر گناهان، و مردود شدنم را از برآمدن حاجتم ترسیده‌ام

(وَإِبْطَالِهَا) لِطَلْبَتِي ، وَقَطْعَهَا لِأَسْبَابِ رَغْبَتِي ، مِنْ أَجْلِ مَا قَدَّ

چه اینکه گناهان خواسته‌ام را از بین می‌برند، و اسباب رغبتم را قطع می‌کنند، از آن رو که از

أَنْقَضَ ظَهْرِي مِنْ ثِقَلِهَا ، وَبَهْظَنِي مِنَ الْإِسْتِقْلَالِ بِحَمْلِهَا ،

سنگینی گناهان پشتم شکسته، و از به تنهایی برداشتن بار آنها گرانبارم نموده،

ثُمَّ تَرَاجَعْتُ رَبِّ إِلَى حِلْمِكَ عَنِ الْخَاطِئِينَ ، وَ عَفْوِكَ عَنِ

سپس پروردگارا به بردباری‌ات از خطاکاران، و گذشتت از

الْمُذْنِبِينَ ، وَ رَحْمَتِكَ لِلْعَاصِينَ ، فَأَقْبَلْتُ بِثِقَتِي مُتَوَكِّلًا

گناهکاران، و مهربانی‌ات به عاصیان نظر کردم، پس با اعتمادم، و توکلم

عَلَيْكَ ، طَارِحًا نَفْسِي بَيْنَ يَدَيْكَ ، شَاكِيًا بِئْسَى إِلَيْكَ ، سَائِلًا [رَبِّ]

بر تو به درگاهت روی آوردم، درحالی که خود را به آستانت افکندم، و عذابم را به نزد

مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْ تَفْرِيجِ الْهَمِّ ، وَلَا أَسْتَحِقُّهُ مِنْ تَنْفِيسِ الْغَمِّ ،

تو شکایت نمودم، درخواست‌کننده‌ام آنچه را که سزاوار آن نیستم، از گشایش اندوم، و مستحق نیستم

مُسْتَقِيلًا لَكَ [رَبِّ] إِيَّايَ ، وَاثِقًا مَوْلَايَ بِكَ . اللَّهُمَّ فَاْمِنُنْ

از برطرف کردن غم، چشم‌پوشی‌ات را نسبت به خود خواستارم، به تو ای مولایم مطمئنم، خدایا به گشایش

عَلَيَّ بِالْفَرَجِ ، وَ تَطَوَّلْ [عَلَيَّ] بِسَهْوَةِ الْمَخْرَجِ ، وَادْلُنِّي

بر من منت گذار، و به آسان بیرون آمدن از مشکل به من احسان فرما، و به

بِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ سَمَتِ الْمَنْهَجِ ، وَ أزلِقْنِي بِقُدْرَتِكَ عَنِ الطَّرِيقِ

رافتت مرا به سوی راه راست هدایت نما، و مرا به قدرتت از راه کج

الْأَعْوَجِ ، وَخَلِّصْنِي مِنَ سِجْنِ الْكَرْبِ بِإِقَالَتِكَ ، وَاطْلِقْ أَسْرِي

دور کن، و به گذشتت از زندان گرفتاری رهایی بخش، و به رحمت اسارتم

بِرَحْمَتِكَ ، وَ طَلَّ (وَ تَطَوَّلْ) عَلَيَّ بِرِضْوَانِكَ ، وَجُدْ عَلَيَّ

را به آزادی تبدیل کن، و به خشنودی‌ات به من روی آور، و به

بِإِحْسَانِكَ ، وَاقْلِنِي [رَبِّ] عَثْرَتِي ، وَفَرِّجْ كُرْبَتِي ، وَارْحَمْ

احسانت بر من ببخش، و از لغزشم درگذر، و اندوهم را بگشا، و به گریه‌ام

## ادعیه الوسائل الی المسائل

عَبَرْتِي ، وَلَا تَحْجُبْ دَعْوَتِي ، وَاشْدُدْ بِالْإِقَالَةِ أَرْزِي ، وَقَوِّبْهَا

رحم کن، و دعایم را در پرده قرار مده، و کرم را با عذر پذیری محکم ببند، و پشتم را به آن

ظَهْرِي ، وَاصْلِحْ بِهَا أَمْرِي ، وَاطَّلِبْ بِهَا عُمْرِي ، وَارْحَمْنِي يَوْمَ

نیرومند ساز، و کارم را به آن اصلاح کن، و عمرم را بدان طولانی کن، و در روز حشر و نشر

حَشْرِي ، وَوَقْتَ نَشْرِي ؛ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ ، غَفُورٌ رَحِيمٌ .

به من رحم کن، به درستی که تو بخشنده بزرگوار، و آمرزنده مهربانی

[وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ].

دروود خدا بر محمد و خاندانش

## مناجات سفر

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ سَفَرًا فَخِرْلِي فِيهِ ، وَأَوْضِحْ لِي فِيهِ سَبِيلَ

خدایا می خواهم سفر کنم، برایم در آن خیر بخواه، و برایم در آن راه

الرَّأْيِ وَفَهْمِنِيهِ ، وَافْتَحْ لِي عَزْمِي بِالِاسْتِقَامَةِ ، وَاشْمَلْنِي فِي

تصمیم گیری را روشن کن، و به من بفهمان، و تصمیمم را برایم به استواری بگشا، و در

سَفَرِي بِالسَّلَامَةِ ، وَأَفِدْنِي [بِهِ] جَزِيلَ الْحِفْظِ وَالْكَرَامَةِ ،

سفرم مرا به تندرستی فراگیر، و بهره شایان و کرامت فایده ای ده،

وَ اكْلَأْنِي [فِيهِ] بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَالْحِرَاسَةِ ؛ وَ جَنِّبْنِي اللَّهُمَّ

و با نیکو نگهداری و نگرهبانی مرا حفظ کن، و برکنارم دار، خدایا

وَعَثَاءَ الْأَسْفَارِ ، وَ سَهِّلْ لِي حُزُونََ الْأَوْعَارِ ، وَ اطْوِلْ

از مشقت سفرها، و هموار کن برایم ناهمواری های بیابانها را، و در هم پیچ برایم

بِسَاطِ الْمَرَاجِلِ ، وَ قَرِّبْ مِنِّي بُعْدَ نَأْيِ الْمَنَاهِلِ ،

منزلها را، و نزدیک کن به من دوری آبشخورها را،

وَ بَاعِدْ فِي الْمَسِيرِ بَيْنَ خُطَى الرَّوَاجِلِ ، حَتَّى تُقَرِّبَ

و در مسیر بلند گردان بین گامهای مرکبها را، تا دوری راههای دور

نِيَاطَ الْبَعِيدِ ، وَ تُسَهِّلَ وُعُورَ الشَّدِيدِ ؛ وَلَقِّنِي اللَّهُمَّ فِي

را نزدیک نمایی، و ناهمواریهای سخت را هموار سازی، خدایا در



## ادعیه الوسائل الی المنازل

سَفَرِي نُجَحَ طَائِرِ الْوَاقِيَةِ ، وَهَبْنِي (هَيِّئْنِي) فِيهِ غُفْمَ الْعَافِيَةِ ،

سفرم همای فرخنده کامیابی را تلقینم کن، و به من ببخش در آن بهره‌های عافیت را،

وَ خَفِيرَ الْإِسْتِقْلَالِ ، وَ دَلِيلَ مُجَاوَزَةِ الْأَهْوَالِ ، وَ بَاعِثَ وَفُورِ

و حامی استقلال را، و راهنمای گذر کردن از هراسها را، و انگیزنده کمال

الْكِفَايَةِ ، وَ سَانِحَ خَفِيرِ الْوَلَايَةِ ؛ وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ سَبَبَ

کفایت را، و فرخنده حامی ولایت را، و بگردانش خدایا سبب

عَظِيمِ السَّلَامِ ، حَاصِلَ الْغَنَمِ ، وَ اجْعَلِ اللَّيْلَ عَلَيَّ سِتْرًا مِنْ

صلحی بزرگ، و بهره‌ای به دست آمده، و شب را پوشش من ساز از

الْآفَاتِ ، وَ النَّهَارَ مَانِعًا مِنَ الْهَلَكَاتِ ، وَ اقْطَعْ عَنِّي قِطْعَ

آفات، و روز را مانع از هلاکتها، و قطع کن از من

لُصُوصِهِ بِقُدْرَتِكَ ، وَ احْرُسْنِي مِنْ وُحُوشِهِ بِقُوَّتِكَ ، حَتَّى

به قدرتت گروههای دزدانش را، و از جانوران وحشی‌اش به نیرویت پاسم بدار، تا

تَكُونَ السَّلَامَةُ فِيهِ مُصَاحِبَتِي ، وَ الْعَافِيَةُ فِيهِ مُقَارِنَتِي ،

سلامت در سفر همراهم باشد، و عافیت و قرینم،

وَ الْيَمْنُ سَائِقِي ، وَ الْيُسْرُ مُعَانِقِي ، وَ الْعُسْرُ مُفَارِقِي ، وَ الْفَوْزُ

و برکت جلودارم، و آسانی هم آغوشم، و سختی دور از جانم، و کامیابی

مُؤَافِقِي ، وَ الْأَمْنُ مُرَافِقِي ؛ إِنَّكَ ذُو الطَّوْلِ وَ الْمَنِّ ، وَ الْقُوَّةِ

بر وفق مرادم، و امنیت رفیقم، به درستی که تو دارای عطای هموار، و احسان و قدرت

وَ الْحَوْلِ ، وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَ بِعِبَادِكَ بَصِيرٌ خَبِيرٌ .

و نیرویی، و تو بر هر چیز توانا، و به بندگانت بینا و آگاهی

### مناجات طلبِ فوزی

اللَّهُمَّ ارْسِلْ عَلَيَّ سِجَالَ رِزْقِكَ مِدْرَارًا ، وَ امْطِرْ عَلَيَّ سَحَابَ

خدایا دلوهای روزی‌ات را ریزان به سوی من ارسال فرما، و ابرهای فزون بخش‌ات

إِفْضَالِكَ غِزَارًا ، وَ أَدِمْ غَيْثَ نَيْلِكَ إِلَيَّ سِجَالًا ، وَ أَسْبِلْ مَزِيدَ

را فراوان بر من ببار، و باران عطایت را چون سینه‌های ریزان بر من تداوم بخش، و بریزان فزونی

## ادعیه الوسائل الی المسائل

نَعْمِكَ عَلَىٰ خَلْقِي إِسْبَالًا، وَأَفْقِرَنِي بِجُودِكَ إِلَيْكَ، وَأَغْنِنِي

نعمتت را بر ظرف نیازم ریزاندنی کامل، و به حق جودت نیازمندم کن، و از کسی که

عَمَّن يَطْلُبُ مَالِدَيْكَ، وَدَاوِ دَاءَ فَقْرِي بِدَوَاءِ فَضْلِكَ، وَانْعَشْ

آنچه را نزد توست می طلبد، بی نیازم گردان، و درد نداری ام را به داروی فضلت درمان کن، و با عطا

صَرَعةَ عَيْلَتِي بِطَوْلِكَ، وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ إِقْلَالِي بِكَثْرَةِ عَطَائِكَ،

هموارات افتادگی نداری ام را بلند فرما، و به کثرت عطایت بر تهیدستی ام تصدق نما،

وَ عَلَيَّ اخْتِلَالِي بِكَرِيمِ حَبَائِكَ؛ وَ سَهِّلْ رَبِّ سَبِيلَ

و به جایزه کریمانهات نیازمندی ام را صدقه بده، و راه روزی را پروردگارا

الرِّزْقِ إِلَيَّ، وَ ثَبِّتْ قَوَاعِدَهُ لَدَيَّ، وَ بَجِّسْ لِي عُيُونَ سَعَتِهِ

به سوی من هموار کن، و پایه هایش را برایم پایدار نما، و چشمه های فراخی اش را به

بِرَحْمَتِكَ، وَ فَجِّرْ أَنْهَارَ رَغَدِ الْعَيْشِ قِبَلِي بِرَأْفَتِكَ، وَ أَجْدِبْ

رحمتت برایم بشکاف، و با رأفت نهرهای زندگی خوش را از جانب من روان کن، و زمین

أَرْضَ فَقْرِي، وَ أَخْصِبْ جَدْبَ ضُرِّي، وَ اصْرِفْ عَنِّي فِي

نداری ام را بخشکان، و سرزمین خشک بدحالی ام را سرسبز کن، و موانع روزی

الرِّزْقِ الْعَوَائِقَ، وَ اقْطَعْ عَنِّي مِنَ الضَّيْقِ الْعَلَائِقَ؛ وَ ارْمِنِي

را از من بگردان، و بندهای فشار و سختی را از من قطع فرما، و مرا هدف

مِنْ سَعَةِ الرِّزْقِ اللَّهُمَّ بِأَخْصَبِ سِهَامِهِ، وَ أَحَبُّنِي مِنْ رَغَدِ

وسعت رزق قرار ده، خدایا به پرخیزترین تیرهایش، و مرا از زندگی خوش

الْعَيْشِ بِأَكْثَرِ دَوَامِهِ؛ وَ اكْسُنِي اللَّهُمَّ سَرَابِيلَ السَّعَةِ،

به بیشتر پابندگی اش مخصوص فرما، و بیوشان بر من خدایا پیراهن فراخی رزق را،

وَ جَلَابِيبَ الدَّعَةِ، فَإِنِّي يَا رَبِّ مُنْتَظِرٌ لِإِنْعَامِكَ، بِحَذْفِ

و جامه های راحت را، پس من ای پروردگارم در انتظار نعمت بخشیت هستم به سر می برم

الْمُضْيِقِ، وَ لَتَطْوُلُوكَ بِقَطْعِ التَّعْوِيقِ، وَ لَتَفْضُلُوكَ بِإِزَالَةِ التَّقْتِيرِ،

با رفع تنگدستی، و عطا پیوستهات را با قطع به تأخیر افتادن، و تفضلت را با از بین بردن سختی معیشت،

وَ لِيُوصَلَ حَبْلِي بِكَرَمِكَ بِالتَّيْسِيرِ؛ وَ امْطِرِ اللَّهُمَّ عَلَيَّ سَمَاءَ

و پیوستن رشته ام را به کرمت با آسان شدن دشواری. بباران خدایا بر من آسمان

## ادعیه الوَسائل الی المسائل

رِزْقِكَ ، بِسَجَالِ الدِّيمِ ، وَأَغْنِنِي عَنْ خَلْقِكَ بِعَوَائِدِ النِّعَمِ ،

روزیات را به باران فراوان، و از بندگانت به واسطه بهره‌های نعمتها بی نیازم فرما،

وَأَرِم مَقَاتِلَ الإِقْتَارِ مِنِّي ، وَاحْمِل كَشْفَ الضُّرِّ عَنِّي ، عَلَي

و هدف تیر قرار بده موارد کسندگی تنگدستی ام را، و بار کن برطرف شدن بدحالی ام را بر

مَطَايَا الإِعْجَالِ ، وَاضْرِب عَنِّي الضِّيقَ بِسَيْفِ الإِسْتِصَالِ ،

بارکشیهای شتاب، و گردن تنگی را از من به شمشیر نابودی بزن،

وَأَتَحْفَنِي رَبِّ مِنْكَ بِسَعَةِ الإِفْضَالِ ، وَامْدُدْنِي بِنُمُوِّ الأَمْوَالِ ،

و به من از جانب خود پروردگارا به فراخی فزون بخشی تحفه ده، و مرا با افزایش اموال مدد کن،

وَأَحْرُسْنِي مِنَ ضَيْقِ الإِقْلَالِ ، وَاقْبِضْ عَنِّي سُوءَ المَجْدِبِ ،

و از سختی فقر پاسم بدار، و بدی فحط را از من بگیر،

وَأَبْسُطْ لِي بِسَاطِ الخِصْبِ ، وَاسْقِنِي مِنْ مَاءِ رِزْقِكَ غَدَقًا ،

و سفره سرسبزی را برایم بگشا، و از آب روزیات ام بده، ابی گوارا،

وَأَنْهَجْ لِي مِنَ عَمِيمِ بِذَلِكَ طُرُقًا ، وَفَاجِعْنِي بِالثَّرْوَةِ وَ المَالِ ،

و از بخشش فراگیر خود برایم روشن کن راهها، و ناگهان ثروت و دارایی ام بده،

وَأَنْعَشْنِي بِهِ مِنَ الإِقْلَالِ ، وَصَبِّحْنِي بِالإِسْتِظْهَارِ ،

و به سبب آن از زمین تنگدستی بلندم کن، و مرا به پشتیبانیات بامدادان برخیزان،

وَمَسِّنِي بِالمَتَمَكَّنِ مِنَ اليَسَارِ ؛ إِنَّكَ ذُو الطَّوْلِ العَظِيمِ ،

و شامگاهان توانای بر بی نیازی، به درستی که تو دارای عطای پیوسته عظیم،

وَالْفَضْلِ العَمِيمِ ، وَالمِنِّ المَجْسِمِ ، وَأَنْتَ المَجْوَادُ الكَرِيمُ .

و فضل همه گیر، و احسان بزرگی، و تو بخشنده بزرگواری.

### مناجات استعاذه «پناهجویی»

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُلِمَّاتِ نَوَازِلِ البَلَاءِ ، وَأَهْوَالِ عَظَائِمِ

خدایا از مصایب بلاهای پیش آمده و هراسهای بدحالی‌های بزرگ به تو

الضَّرَّاءِ ، فَأَعِذْنِي رَبِّ مِنَ صَرَعَةِ البَأْسَاءِ ، وَاحْجُبْنِي مِنَ

پناه می آورم، پس پروردگارا از تباهی تنگدستی پناهم بده، و از حملات بلا

# ادعیه الوسائل الی المسائل

سَطَوَاتِ الْبَلَاءِ ، وَ نَجَّيْنِي مِنْ مُفَاجَاتِ النَّقَمِ ، وَ أَجْرِنِي مِنْ

محفوظم بدار، و از انتقامهای ناگهانی رهایی ام بخش، و از

زَوَالِ النِّعَمِ ، وَ مِنْ زَلَلِ الْقَدَمِ ؛ وَ اجْعَلْنِي اللّهُمَّ فِي حَيَاةِ

زوال نعمتها و لغزش گامها پناهم ده، و قرارم ده خدایا در میدان

عِزِّكَ ، وَ حِفَاظِ حِرْزِكَ مِنْ مُبَاغَتَةِ الدَّوَائِرِ ، وَ مُعَاجَلَةِ الْبَوَادِرِ .

عزتت و حفاظ نگهداریات از حوادث ناگوار ناگهانی روزگار، و شتابگیری مصایب،

اللّهُمَّ رَبِّ وَ أَرْضِ الْبَلَاءِ فَاخْسِفْهَا ، وَ عَرِصَةَ الْمِحْنِ فَارْجُفْهَا ،

خدایا، پروردگارا، و زمین بلارا فرو بر، و میدان محنتها را سخت بلرزان،

وَ شَمْسِ النَّوَائِبِ فَاكْسِفْهَا ، وَ جِبَالَ السَّوِّءِ فَانْسِفْهَا ، وَ كُرْبَ

و آفتاب حوادث ناگوار را تیره کن، و کوههای بدی را متلاشی گردان، و گرفتاریهای

الدَّهْرِ فَاكْشِفْهَا ، وَ عَوَائِقَ الْأُمُورِ فَاصْرِفْهَا ، وَ أَوْرِدْنِي حِيَاضَ

روزگار را برطرف فرما، و موانع کارها را از من بگردان، و مرا به حوضهای سلامت

السَّلَامَةِ ، وَ احْمِلْنِي عَلَى مَطَايَا الْكِرَامَةِ ، وَ اصْحَبْنِي بِإِقَالَةِ

وارد کن، و بر مرکبهای کرامت سوار فرما، و با نادیده گرفتن لغزش

العَثْرَةِ ، وَ اشْمَلْنِي بِسِتْرِ الْعَوْرَةِ ، وَ جُدْ عَلَيَّ يَا رَبِّ بِالْإِيْتِكَ ،

همراه باش، و مرا با پوشاندن عیب فراگیر، و به عطاهای برجستہات

وَ كَشْفِ بَلَائِكَ ، وَ دَفْعِ ضَرَّائِكَ ، وَ ادْفَعْ عَنِّي كَلَّ كُلِّ عَذَابِكَ ،

و برطرف کردن بلایت و دفع پریشان حالیات پروردگارا به من بخشش آر، و تودههای عذابت را از من دور کن،

وَ اصْرِفْ عَنِّي أَلِيمَ عِقَابِكَ ، وَ اعِذْنِي مِنْ بَوَائِقِ الدُّهُورِ ،

و کیفر دردناکت را از من بگردان، و از حوادث روزگار پناهم ده،

وَ أَنْقِذْنِي مِنْ سُوءِ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ ، وَ احْرُسْنِي مِنْ جَمِيعِ

و از بدی سرانجام کارها نجاتم بخش، و از همه ناملایمات

الْمَحْذُورِ ، وَ اصْدَعْ صَفَاةَ الْبَلَاءِ عَنِّ امْرِي ، وَ اشْلُلْ يَدَهُ عَنِّي

باسم بدار، و سنگ بلارا از کارم بشکن، و دست بلارا تا پایان عمرم نسبت به من شل کن،

مَدَى عُمْرِي ؛ إِنَّكَ الرَّبُّ الْمَجِيدُ ، الْمُبْدِيُّ الْمُعِيدُ ، الْفَعَّالُ

به درستی که تو پروردگار بزرگوار، آغازگر، بازگرداننده‌ای و آنچه را بخواهی

لما تُریدُ

انجام دهنده‌ای

مناجات طلب توبه

اللَّهُمَّ إِنِّي قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِاخْتِلاصٍ تَوْبَةً نَصُوحًا ، وَتَثْبِيتٍ

خدایا به اخلاص، آهنگ تو را کرده‌ام، برای توبه خالصانه، و پایداری

عَقْدٍ صَاحِحٍ ، وَدُعَاءٍ قَلْبٍ قَرِيحٍ ، وَإِعْلَانِ قَوْلٍ صَرِيحٍ . اللَّهُمَّ

پیمان راستین، و دعای دل‌ریش، و آشکار کردن گفتار صریح، خدایا

فَتَقَبَّلْ مِنِّي مُخْلِصَ التَّوْبَةِ ، وَاقْبَالَ سَرِيعَ الْأَوْبَةِ ، وَمَصَارِعَ

از من بپذیر توبه بی‌الایش، و روی آوردن شتابان بازگشت به سوی خود، و افتادن‌گاههای

تَخَشُّعِ الْحَوْبَةِ؛ وَ قَابِلِ رَبِّ تَوْبَتِي بِجَزِيلِ الثَّوَابِ ، وَكَرِيمِ

کرنش گناه‌را، پروردگارا توبه‌ام را به پاداش شایان، و بازگشتی کریمانه،

الْمَأْتِ ، وَ حَطِّ الْعِقَابِ ، وَصَرَفِ الْعَذَابِ ، وَ غَمِّ الْإِيَابِ ،

و فروریختن کیفر، و بازگرداندن عذاب، و بهره‌بازگشت

وَ سِتْرِ الْحِجَابِ ؛ وَامْحُ اللَّهُمَّ مَا ثَبَتَ مِن ذُنُوبِي ، وَاغْسِلْ

و پرده‌پوشی مقابله کن، و محو کن خدایا آنچه از گناهانم ثبت شده، و همه عیب‌ها را

بِقَبُولِهَا جَمِيعَ عُيُوبِي ، وَاجْعَلْهَا جَلِيَّةً لِقَلْبِي ، شَاخِصَةً

به پذیرش توبه بشوی، و قرار بده توبه‌ام را جلادهنده دلم، روشن کننده

لِبَصِيرَةِ لُبِّي ، غَاسِلَةً لِدِرْنِي ، مُطَهَّرَةً لِنَجَاسَةِ بَدَنِي ،

دیده خردم، شستشودهنده ناپاکی‌ام، پاک کننده آلودگی تنم،

مُصَحِّحَةً فِيهَا ضَمِيرِي ، عَاجِلَةً إِلَى الْوَفَاءِ بِهَا بِبَصِيرَتِي ؛

درست کننده نهادم، به وسیله آن شتابان کن به جانب وفا بصیرتم را،

وَاقْبَلْ يَا رَبِّ تَوْبَتِي ، فَإِنَّهَا تَصَدُّرٌ مِنْ إِخْلَاصِ نِيَّتِي ، وَمَحْضٌ

قبول کن پروردگارا توبه‌ام را، به درستی که برمی‌آید از خلوص نیتم، و محض

مِنْ تَصْحِيحِ بَصِيرَتِي ، وَاحْتِفَالٍ فِي طَوِيَّتِي ، وَاجْتِهَادٍ

درستی بصیرتم، و روشنی همه‌جانبه اندیشه‌ام، و کوشش

## ادعیه الوسائل کے مسائل

فِي نَقَاءِ سَرِيرَتِي ، وَ تَثْبِيْتًا لِإِنَابَتِي ، وَ مُسَارَعَةً إِلَى

در نظافت باطنم، و بایدار نمودن بازگشتم، و شتافتن به سوی

أَمْرِكَ بِطَاعَتِي ؛ وَاجِلُ اللّٰهُمَّ بِالتَّوْبَةِ عَنِّي ظُلْمَةَ الإِصْرَارِ ،

فرمانت به طاعتم، و از من خدایا به وسیله توبه تاریکی پافشاری بر گناه را دور کن،

وَ امْحُ بِهَا مَا قَدَّمْتَهُ مِنَ الأَوْزَارِ ، وَ اكْسُنِي لِبَاسَ التَّقْوَى ،

و به آنچه از بارهای گران بیش انداختم محو گردان، و به من لباس تقوا،

وَ جَلَابِيبَ الهُدَى ، فَقَدْ خَلَعْتُ رِبْقَ المعاصي عَن جِلْدِي ،

و جامه‌های هدایت بیوشان، من به حقیقت بند نافرمانی‌ها را از پوستم بر کشیدم.

وَ نَزَعْتُ سِرْبَالَ الذُّنُوبِ عَن جَسَدِي ، مُسْتَمْسِكًا رَبِّ

و پیراهن گناهان را از پیکرم بر کندم، در حالی که پروردگارا به قدرت

بِقُدْرَتِكَ ، مُسْتَعِينًا عَلَى نَفْسِي بِعِزَّتِكَ ، مُسْتَوِدِعًا تَوْبَتِي

چنگ زنده‌ام، و به عزتت بر خویشتن کمک خواهم، و به پناحت توبه‌ام را از

مِنَ النِّكْثِ بِخَفَرَتِكَ ، مُعْتَصِمًا مِنَ الخِذْلَانِ بِعِصْمَتِكَ ،

شکستن ودیعه گذارم، به عصمتت از خوار شدن دست‌آورم،

مُقَارِنًا بِهِ لِأَحْوَالٍ وَ لِقُوَّةٍ إِلَّا بِكَ .

قرین کنم آن را به «نیرو و جنبشی نیست بجز به وسیله تو».

### مناجات طلب حج

اللّٰهُمَّ ارزُقْنِي الحَجَّ ، الَّذِي افترَضْتَهُ عَلَيَّ مِنْ اسْتَطَاعِ إِلَيْهِ

خدایا حجتی که واجب کردی بر هر که بتواند به سوی آن راه یابد، نصیب

سَبِيلًا ، وَ اجْعَلْ لِي فِيهِ هَادِيًا ، وَ إِلَيْهِ دَلِيلًا ، وَ قَرِيبًا لِي بَعْدَ

من فرما، و برابم در آن راهنما، و به سوی آن دلیلی قرار ده، و دوری راهها را

المَسَالِكِ ، وَ اعْنِي عَلَى تَأْدِيَةِ المُنَاسِكِ ، وَ حَرِّمِ بِأِحْرَامِي عَلَى

برابم نزدیک کن، و بر انجام اعمال حج یاری ام ده، و به احرام بستنم

النَّارِ جَسَدِي ، وَ زِدْ لِلسَّفَرِ قُوَّتِي وَ جِلْدِي ؛ وَ ارزُقْنِي رَبِّ

آتش را بر تنم حرام کن، و نیرو و چابکی ام را برای سفر زیاد گردان